

راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی

منتخبی از پیام‌ها و سخنرانی‌های مریم رجوی
در تظاهرات ایران آزاد و گردهمایی‌های مقاومت در اشرف ۳
خرداد و تیر ۱۳۹۸

فهرست مطالب

مقدمه	صفحه ۴
ایران را پس می‌گیریم	
سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی ایران آزاد در اشرف ۳	صفحه ۸
مسیری با پیروزی حتمی	
سخنرانی مریم رجوی در نمایشگاه ۱۲۰ سال مبارزه مردم ایران	صفحه ۳۲
پیشتازی زنان در جنبش مقاومت ایران	
سخنرانی مریم رجوی در کنفرانس پیشتازی زنان در مقاومت ایران	صفحه ۴۶
خامنه‌ای و دیگر مرتکبان جنایت علیه بشریت باید در برابر عدالت قرار بگیرند	
سخنرانی مریم رجوی در کنفرانس دادخواهی قتل عام ۶۷	صفحه ۶۰
تظاهرات ایرانیان در ۵ شهر بزرگ جهان	صفحه ۷۶
پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان در بروکسل	صفحه ۷۸
پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان در واشینگتن	صفحه ۸۸
پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان در برلین	صفحه ۱۰۰
پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان در استکهلم	صفحه ۱۱۴
پیام مریم رجوی به تظاهرات ایرانیان در لندن	صفحه ۱۲۴

راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی

منتخبی از پیام‌ها و سخنرانی‌های مریم رجوی در گردهمایی‌های

سالانه مقاومت ایران - اشرف ۳ - آلبانی

شماره ثبت: ۰۰-۰۰-۴۹۱۶۱۵-۲-۹۷۸

تاریخ انتشار: مهر ۱۳۹۸ (اکتبر ۲۰۱۹)

انتشارات شورای ملی مقاومت ایران

جهان به دیدار اشرف ۳ می‌آید

گردهمایی‌های سالانه مقاومت ایران در اشرف ۳

گردهمایی‌های مقاومت ایران امسال در اشرف ۳، مقر مقاومت ایران در آلبانی، از پنجشنبه ۲۰ تیر (۱۱ ژوئیه) به مدت ۵ روز، برگزار شد. اشرف ۳ شهری استثنایی در جهان، بیست ماه پیش از این گردهمایی‌ها تنها قطعه زمینی بود که در آن هیچ چیز وجود نداشت و با دست‌های مجاهدین و با زحمت و کوشش بسیار، برپا و شکوفا شد. طی این ۵ روز مجاهدان آزادی میزبان شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی و نیز هموطنان ایرانی و شهروندانی از سایر کشورهای اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا بودند.

در آغاز گردهمایی‌های سالانه مقاومت ایران، روز پنجشنبه ۲۰ تیرماه

یک کنفرانس بین‌المللی با شرکت شماری از شخصیت‌های برجسته سیاسی و بین‌المللی و پارلمانتورها و کارشناسان از کشورهای مختلف در اشرف ۳ آغاز به کار کرد.

در این کنفرانس تحت عنوان «سیاست در قبال ایران و یک آلترناتیو معتبر»، شخصیت‌های حاضر، سیاست درست در قبال دیکتاتوری آخوندی و مهم‌ترین مسائل سیاسی و استراتژیکی مربوط به ایران را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

روز جمعه ۲۱ تیر (۱۲ ژوئیه)، موزه مقاومت ایران، نمایشگاه ۱۲۰ سال نبرد تاریخی مردم ایران برای آزادی، شاهد بازدید صدها تن از شخصیت‌های شرکت‌کننده در برنامه بود. در پایان، بازدیدکنندگان در یک کنفرانس شرکت کردند و به سخنان خانم مریم رجوی و تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و نیز شهادت تعدادی از زندانیان سیاسی سابق گوش دادند. بقیه در صفحه بعد



روز شنبه ۲۲ تیر (۱۳ ژوئیه) گردهمایی ایران آزاد، با سخنرانی مریم رجوی و ده‌ها شخصیت سیاسی، مقاماتی از آمریکا و کشورهای اروپایی برگزار شد. در پایان این جلسه که ساعت‌ها ادامه داشت، شرکت‌کنندگان در یک کنسرت بزرگ موسیقی در فضای باز شرکت کردند.

روز یکشنبه ۲۳ تیر ۹۸ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۹) کنفرانس بین‌المللی پیشتازی زنان در مقاومت ایران، با شرکت و سخنرانی خانم مریم رجوی برگزار شد. در این کنفرانس شماری از شخصیت‌های برجسته سیاسی و مدافع حقوق زنان و پارلمان‌ترها شرکت داشتند و سخنرانی کردند.

در همین روز، کنفرانس همبستگی عربی اسلامی با مردم ایران و تنها جایگزین مستقل و دمکراتیک آن تحت عنوان سرنگونی رژیم آخوندها ضرورت پایان جنگ و تروریزم در منطقه، با شرکت شخصیت‌ها و هیأت‌هایی که از کشورهای عربی و اسلامی در گردهمایی ایران آزاد شرکت داشتند، برگزار شد.

در این کنفرانس شخصیت‌هایی از کشورهای الجزایر، تونس، بحرین، اردن، یمن، لبنان، مراکش، مصر و هیأت نمایندگی اپوزیسیون سوریه سخنرانی کردند.

هم چنین در کنفرانس دیگری در روز یکشنبه، شماری از قانونگذاران و شخصیت‌های سیاسی اروپایی، تروریسم و جنگ افروزی حکومت آخوندی را که در مرحله پایانی آن تشدید شده، محکوم و بر حمایت خود از مقاومت ایران تأکید کردند.

دکتر متیو آفورد نماینده ارشد پارلمان انگلستان و رئیس گروه پارلمانی برای یک ایران آزاد و دمکراتیک، که مدیریت این کنفرانس را برعهده داشت، گفت: اکنون رسانه‌های خبری از اشرف ۳ با عباراتی مثل «شاخص امید» یاد می‌کنند.

در پنجمین روز گردهمایی‌ها، روز دوشنبه ۲۴ تیر ۹۸ (۱۵ ژوئیه ۲۰۱۹) کنفرانس «دادخواهی قتل عام ۶۷، محاکمه آمران و عاملان در دادگاه بین‌المللی» با حضور و سخنرانی مریم رجوی برگزار شد.

در این کنفرانس شماری از شخصیت‌های سیاسی، حقوق‌دانان و مدافعان حقوق بشر شرکت داشتند و پیرامون جنایات ضد بشری رژیم آخوندی علیه مردم و مقاومت ایران به‌ویژه قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ سخنرانی کردند.

سخنرانان به تحقیق بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایت و محاکمه آمران و عاملان این قتل عام در دادگاه‌های بین‌المللی فراخوان دادند. در این کنفرانس هم‌چنین شماری از زندانیان مجاهد از بند رسته از جمله شاهدان قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۶۷ به ادای شهادت درباره جنایات دیکتاتوری آخوندی پرداختند.

در کتابی که پیش رو دارید سخنرانی‌های مریم رجوی در جریان این گردهمایی‌ها را ملاحظه می‌کنید.

علاوه بر گردهمایی‌های اشرف ۳، همزمان، تظاهرات بزرگی در ۵ شهر جهان با شرکت ایرانیان آزاده برگزار شد. خانم مریم رجوی پیام‌هایی خطاب به تظاهرکنندگان از طریق ویدئو کنفرانس ارسال کرد. منتخبی از این پیام‌ها در ادامه این کتاب از نظر تان می‌گذرد.

مریم رجوی: ایران را پس می‌گیریم

راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی

هم میهنان عزیز،
میهمانان و شخصیت‌های محترم،
اشرف ۳ به همه شما خوش آمد می‌گوید.

۲۰ ماه پیش این جا قطعه زمینی بود که در آن هیچ چیز وجود نداشت. اما با دست‌های مجاهدین، با زحمت و کوشش بسیار، اشرف ۳ برپا و شکوفا شده است. مقصد ما اما تهران است، تهران آزاد شده از اشغال آخوندها. اگرچه آخوندها میهن ما را ویران کردند. اما ما ایران را پس می‌گیریم و این زیباترین وطن را دوباره می‌سازیم. ما این سفر را از ۳۰ خرداد آغاز کردیم از آن نقطه که مسعود، یک مقاومت ریشه‌دار و پایدار را در برابر استبداد مذهبی برپا کرد. شورای ملی مقاومت را تأسیس کرد و ارتش آزادی‌بخش ملی ایران را برپا نمود.



سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی ایران آزاد

اشرف ۳ - ۲۲ تیر ۱۳۹۸

حکومت آخوندها نه راه پیش دارد و نه راه پس!

۴۰ سال حکومت آخوندها برای مردم ایران مترادف قتل عام همه‌جانبه است. از چند صد اعدام شبانه در زندان اوین و قتل عام زندانیان سیاسی در دهه اول این رژیم، تا قتل عام تولید و اقتصاد، محیط‌زیست، فرهنگ و هنر و تمدن ایران. فاشیسم دینی حالا به انتهای راه رسیده و در بحران سرنگونی دست و پا می‌زند؛ اقتصاد فروپاشیده، تعطیلی بیش از ۷۰ درصد ظرفیت صنایع، نظام بانکی ورشکسته، فرار ماهیانه حدود ۳ میلیارد دلار سرمایه و سقوط مستمر ارزش پول که مهارشدنی نیست.

حکومت آخوندها نه راه پیش دارد و نه راه پس! نه ظرفیت مذاکره و دست‌برداشتن از تروریسم و مداخلات منطقه‌ای دارد، و نه میدان حرکتی به بزرگی مماشات.

خامنه‌ای می‌گوید مذاکره با آمریکا سم است و به‌خصوص مذاکره با دولت کنونی سم مضاعف است. راستی چرا؟

زیرا به گفته خود او تغییر رفتار در واقع همان تغییر رژیم است و «هر قدم عقب‌نشینی، زنجیره‌ی تمام‌نشدنی از جام‌زهرهای بعدی را به‌دنبال خواهد داشت».

حالا اشرف ۳ در امتداد سفری است که سرتاسر آن آغاز کردن، از نو ساختن و زنده کردن است. در این سفر از ده سال پایداری خونین در اشرف محاصره‌شده عبور کردیم و از چهار سال ایستادگی در قتلگاه لیبرتی.

حالا این فصل دیگری از راهپیمایی بزرگ به‌سوی آزادی است، به‌سوی ایران آزاد؛ به‌سوی مقصدی با شکوه و البته با رنج بسیار و با رود خروشان خون شهیدان. مسعود در نخستین سالگرد مقاومت گفت: وقتی مقاومت ما پیروز شود، یکی از بزرگترین موانع انقلابات معاصر و بلکه مهمترین عامل انحراف و اضمحلال آنان که همانا تجاوز به حریم مقدس آزادی تحت انواع و اقسام بهانه‌هاست، از میان برداشته می‌شود. احیای مقوله آزادی همانا احیای بشریت و انقلابات مغلوب است. برای این که یک خلق، آزادی خود را قدر بشناسد، نهایتاً بایستی خود، خود را آزاد کند... هرکس تنها خودش می‌تواند خویشتن را از بند جبر و ستم آزاد کند و ما دقیقاً به همین دلیل مسئول به‌پیش بردن خط قیام عمومی برای آزادی خلق و میهنمان هستیم.

فاشیسم دینی حالا به انتهای راه رسیده و در بحران سرنگونی دست و پا می‌زند؛ اقتصاد فروپاشیده، تعطیلی بیش از ۷۰ درصد ظرفیت صنایع، نظام بانکی ورشکسته، فرار ماهیانه حدود ۳ میلیارد دلار سرمایه و سقوط مستمر ارزش پول که مهارشدنی نیست

۶۶

دیکتاتوری دینی به چه مسیری می‌رود؟

به‌لحاظ داخلی، انقباض و سرکوب و شیطان‌سازی و تروریسم علیه این مقاومت به‌عنوان خطر و دشمن اصلی، مقاومتی که خواستار تغییر رژیم و جایگزین کردن حاکمیت ولایت فقیه با حاکمیت مردم و رأی مردم است. مقاومتی که ۴۰ سال است در برابر این رژیم می‌جنگد و مقاومتی که با کشتن از بین نمی‌رود، بلکه به‌قول جانشین معزول خمینی، ترویج می‌شود.

به‌لحاظ بین‌المللی، آخوندها روی بی‌عملی و تحمل جامعه بین‌المللی حساب باز کرده‌اند و روی این که عملیات تروریستی و جنگ‌افروزی در کشورهای منطقه، دست کم تا انتخابات آمریکا چندان قیمتی برای آنها نخواهد داشت. می‌گویند: ۱۶ ماه دیگر صبر می‌کنیم، شاید آمریکا رئیس‌جمهور دیگری داشته باشد و بتوان با او دوباره به همان «آبر امتیازات» در توافق اتمی دست یافت! در همین جا یادآوری می‌کنم که مقاومت ایران، قبل و بعد از معامله اتمی و در جریان مذاکرات، از همان روز سوم آذر ۹۲ دائماً هشدار می‌داد که ۶ قطعنامه شورای امنیت نباید دور زده شود.

به‌ویژه، به توقف کامل غنی‌سازی و قبول پروتکل الحاقی و دسترسی آزادانه بازارسان به مراکز پاسداران و تأسیسات مشکوک رژیم فراخوان می‌دادیم.





قبل از امضای توافق اتمی، در اردیبهشت ۹۴، من در جلسه‌یی در سنای فرانسه اعلام کردم: «تجربه مقاومت نشان داده است که آخوندها تنها زبان قاطعیت و قدرت را می‌فهمند».

” به‌لحاظ بین‌المللی، آخوندها روی بی‌عملی و تحمل جامعه بین‌المللی حساب باز کرده‌اند و روی این که عملیات تروریستی و جنگ‌افروزی در کشورهای منطقه، دست کم تا انتخابات آمریکا چندان قیمتی برای آنها نخواهد داشت “

و تاکید کردم «زمان آن است که قدرت‌های بزرگ، دست از مماشات و امتیاز دادن به استبداد خونریز دینی و بانکدار مرکزی تروریسم و رکوردار جهانی اعدام بردارند و حق مردم ایران برای مقاومت و آزادی را به رسمیت بشناسند».

در روز توافق در ۲۳ تیر ۹۴ هم حرف ما این بود که «توافقی که حقوق بشر مردم ایران را نادیده بگیرد و بر آن تاکید و تصریح نکند، تنها مشوق سرکوب و اعدام‌های بی‌وقفه از جانب این رژیم، و لگدمال کردن حقوق مردم ایران و زیر پا گذاشتن اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد است... زیرا مردم ایران قربانیان اصلی برنامه شوم اتمی بوده‌اند».

شقه و تزلزل

از علائم مرحله پایانی رژیم

حالا نگاهی بیندازیم به آنچه در ۲ ماه گذشته واقع شده است:

در هشتم خرداد خامنه‌ای با اشاره تلویحی به عملیات تروریستی در فجیره و عربستان و عراق گفت:

«اگر از اهرم‌ها و ابزارهای فشار به درستی استفاده شود، فشار آمریکایی‌ها یا کم و یا متوقف خواهد شد، اما اگر فریب «دعوت به مذاکره» با آمریکایی‌ها خورده شود و از اهرم‌های فشار استفاده نشود.. باخت (ما) قطعی است».

او در مورد افزایش ذخیره اورانیوم و غنی‌سازی بالاتر از حد مجاز، تهدید کرد که «در این حد متوقف نخواهیم ماند و در برهه بعدی، اگر لازم باشد، از اهرم‌های فشار دیگری استفاده خواهیم کرد».

حمله به کشتی نفتکش ژاپنی آن هم درست در زمانی که نخست‌وزیر ژاپن برای میانجیگری در تهران بود و حمله به هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی، از همان اهرم‌های مورد نظر خامنه‌ای است. روحانی هم با چاپلوسی گفت که دست پاسداران مربوطه را می‌بوسد.

در همین روزها رژیم افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم به چهار و نیم درصد را اعلام کرد و خط و نشان کشید که گام‌های بعدی را هم بر می‌دارد.

هفته پیش هم روحانی شانتاژ می‌کرد و با مسخره و تحقیر به کشورهای اروپایی گفت: «ما راکتور اراک را برمی‌گردانیم به شرایط سابق. یعنی به شرایطی که... می‌گفتید خطرناک است و می‌تواند پلوتونیوم تولید بکند».

راستی با این تهدیدها، آن ادعاهای مسخره در مورد این که فاشیسم دینی سلاح اتمی را حرام می‌داند و خامنه‌ای در این مورد فتوا داده است، چه شد و به کجا رفت؟ آیا آن ادعاها، به‌سخره گرفتن رسانه‌ها و افکار عمومی نبود؟ و حالا بازی موش و گربه هم‌چنان ادامه دارد...

روشن است که این رژیم می‌خواهد با ایجاد تنش، جامعه بین‌المللی را پس بزند. می‌خواهد با گرد و خاک و آشوب، بحران سرنگونی را پنهان کند. می‌خواهد دوباره سیاست استمالت را جایگزین قاطعیت کند. و می‌خواهد ترس و وحشت بسیجی‌ها و پاسدارانش را مهار و تعادل درونی رژیم را حفظ کند.

یک مشاور سابق روحانی گفت، در مسأله سیاست خارجی، در داخل رژیم دو خط «تعارض» و «تعامل» در مقابل هم شکل گرفته است. خامنه‌ای در اول خرداد در راستای یکپایه‌کردن رژیم دستور داد: «زمینه را برای روی کار آمدن دولت جوان و حزب‌اللهی فراهم کنید».

اما حقیقت این است که شقه و تزلزل از علائم مرحله پایانی است و رژیم آخوندی از سرنوشت محتوم‌اش خلاصی نخواهد داشت.

غسل تعمید پدر خوانده تروریسم

در چارچوب سیاست مداخلات با فاشیسم دینی در ۳ دهه گذشته، آن‌هایی که در طرف رژیم بودند، بر جنایات آن در داخل و خارج ایران چشم فرو بستند. بانکدار مرکزی و بزرگترین حامی و پدرخوانده تروریسم بین‌المللی را غسل تعمید دادند.

” ما با سرفرازی از بیست و چند دادگاه عبور کردیم و

حتی يك برگ سند علیه مجاهدین پیدا نشد.

این همان اسطوره قدیمی در تاریخ ایران را

تداعی می‌کند که سیاوش از آتشی که با اتهامات

برایش برافروخته بودند به سلامت عبور کرد

به جای رژیم، آنتی‌تز آن یعنی مقاومت ایران را با انواع پرونده‌سازی‌ها هدف قرار دادند. به جای دستگاه خامنه‌ای، مجاهدین را و به جای سپاه پاسداران، ارتش آزادیبخش ملی ایران را در لیست گذاشتند.

البته ما با سرفرازی از بیست و چند دادگاه عبور کردیم و حتی یک برگ سند علیه مجاهدین پیدا نشد. این همان اسطوره قدیمی در تاریخ ایران را تداعی می‌کند که سیاوش از آتشی که با اتهامات برایش برافروخته بودند به سلامت عبور کرد.



ولایت فقیه سرچشمه جنگ

حالا پرده‌ها یکی بعد از دیگری کنار می‌رود. همه به روشنی می‌بینند که منشأ جنگ و جنگ‌افروزی، ولایت فقیه است هم‌چنان که مقاومت ایران از اول می‌گفت نبرد با این رژیم، خشکاندن سرچشمه جنگ و آشوب و عین صلح‌خواهی است. روزگاری مدافعان رژیم می‌گفتند اگر آخوندها سرنگون شوند ایران دچار جنگ و آشوب و تجزیه می‌شود. حالا همه می‌بینند که تا این رژیم سرنگون نشود، جنگ و بحران در منطقه ادامه دارد و تشدید می‌شود.

بنابراین هرکس که برای ایران، آزادی می‌خواهد، هرکس که می‌خواهد ایران را از ویرانی و نابسامانی نجات دهد. و هرکس که برای منطقه و جهان صلح و ثبات می‌خواهد باید برای سرنگونی رژیم آخوندی به پاخیزد.

۲۰

فریب بزرگ مماشاتگران

مماشات‌گران می‌خواهند قاطعیت در مقابل این رژیم را معادل جنگ‌طلبی جلوه دهند، اما این یک فریب بزرگ است. هرگونه فرصت دادن به آخوندها، فقط منجر به جری‌تر شدن آنها می‌شود. و راه آنها را باید بست. آلبانی یک نمونه در این رابطه است. دولت آلبانی در آذر ماه گذشته پس از توطئه‌های تروریستی رژیم ایران و سفارت آن در اینجا، سفیر آخوندها و رئیس ایستگاه ترور و جاسوسی آنها را اخراج کرد. متعاقباً رئیس جمهور آمریکا از تلاش‌های دولت آلبانی برای ایستادن در برابر رژیم و مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن برای ساکت کردن مخالفان رژیم، قدردانی کرد تا به حکومت ایران نشان داده شود که فعالیت‌های تروریستی‌اش در اروپا و سراسر جهان عواقب جدی دارد.

۲۱



۹۹ **هرکس که برای ایران، آزادی می‌خواهد،**

هرکس که می‌خواهد ایران را از ویرانی

و نابسامانی نجات دهد.

هرکس که برای منطقه و جهان صلح و ثبات می‌خواهد

۶۶ باید برای سرنگونی رژیم آخوندی به‌پاخیزد

اگر افشای تروریسم پاسداران به‌خصوص افشای اسامی ۳۲ هزار مزدبگیر نیروی قدس در عراق نبود،

اگر نبود افشای پروژه‌ها و تأسیسات پنهان اتمی رژیم در نطنز و اراک،

و اگر مقاومت ایران با بیش از ۱۰۰ رشته افشاگری دقیق و مستند در ربع قرن، جهان را نسبت به بمب‌سازی پنهانی آخوندها بیدار و هوشیار نکرده بود، امروز وضعیت به‌کلی متفاوت بود. و آخوندهای بمب به‌دست، امپراطوری و خلافت مورد نظر خود را برپا و تثبیت کرده بودند. البته قیمت را به تمام و کمال مردم و مقاومت ایران پرداختند. والا هرگز موجبات لیست‌گذاری آنها فراهم نمی‌شد.

آری، مقاومت ایران با رهبری مسعود، رسالت تاریخی خود را انجام داد، تابوی ولایت فقیه و سپاه جهل و جنایتش را در هم شکست و برای خلافت شیطانی آخوندها آینده‌یی بر جا نگذاشت.

۹۹ **هم‌چنان‌که مقاومت ایران از اول می‌گفت نبرد با این رژیم،**

خشکاندن سرچشمه جنگ و آشوب و عین صلح‌خواهی است

۶۶

اصل موضوع در همین نکته ضروری نهفته است. این که رژیم آخوندی ببیند بر خلاف گذشته هر عملش عواقب جدی خودش را دارد.

بله، رژیمی که هر روز جنایات و جنگ افروزی‌هایش بیشتر افشا می‌شود. باید منتظر عواقب بسا بیشتری باشد.

رسالت تاریخی مقاومت شکستن تابوی ولایت فقیه

مقاومت ایران از ۴ دهه پیش با درک عمیق از ماهیت رژیم ولایت فقیه، بر اصلاح‌ناپذیری و ضرورت سرنگونی و تغییر آن پافشاری کرده است. بر خطرات این رژیم برای صلح و آرامش در منطقه و جهان تاکید کرده و خواستار تحریم همه‌جانبه فاشیسم دینی شده است.

به‌راستی اگر افشای ماهیت ارتجاعی خمینی و آخوندها نبود،

اگر رنج و رزم و خون مجاهدین در نبرد با پاسداران و گشتاپوی آخوندها نبود،

اگر ریختن زهر آتش‌بس به حلقوم خمینی نبود،

و اگر ایستادگی مجاهدین بر سر مواضعشان به بهای قتل‌عام نبود،

اگر پایداری در اشرف و لیبرتی نبود،

اگر ۶۵ بار محکومیت رژیم آخوندها در ملل متحد به‌خاطر نقض حقوق بشر نبود،

اگر نبود کتابها و اسناد روشنگر این مقاومت،

راه حل قطعی، سرنگونی رژیم آخوندی

راه حل قطعی، نهایی و تردیدناپذیر، سرنگونی تمامیت رژیم ولایت فقیه به دست مردم و مقاومت ایران است.

کسانی که در ادامه این رژیم منفعت دارند، دیروز وعده های موهوم اصلاحات و میانه روی می دادند، و امروز بیش از پیش، بر طبل شیطان سازی و اخبار مجعول علیه مجاهدین و مقاومت می کوبند و می خواهند برای این رژیم نقش نجات غریق ایفا کنند. ضمن یک سال گذشته فقط در توییتر ۱۱ هزار و ۵۰۰ حساب این رژیم که سراپا جعل و دروغ بود، بسته شده است. می خواهند بگویند رژیم آلترناتیوی ندارد و باید به آن تن داد. اما آیا می توان چرخ حرکت تاریخ را متوقف کرد یا به عقب برگرداند؟ هرگز!



مقاومت

تنها محک در دوران اختناق

همه می‌دانند که در دوره اختناق، تا وقتی که امکان تجمع و تظاهرات و نظرسرپی و انتخابات آزاد وجود ندارد، تنها ملاک و معیار واقعی، مقاومت است. و چیزی غیر از آن، موضوعیت و اصالت ندارد. با معیار مقاومت است که می‌توان پایگاه و ابعاد این جنبش را سنجید.

با عزم مجاهدان آزادی، با رزم کانون‌های شورشی و با تلاش و تظاهرات ایرانیان و اشرف‌نشانها که خروش و فریادشان این است که ایران را پس می‌گیریم.

رژیم و آنهایی که در جبهه رژیم، رو در روی مردم ایران قرار گرفته‌اند، می‌گویند و تکرار می‌کنند که این مقاومت در داخل ایران پایگاهی ندارد و ما می‌گوییم و تکرار می‌کنیم که اگر رژیم راست می‌گوید یک روز و فقط یک روز، بگذارد که ما در سراسر ایران تجمع و تظاهرات مسالمت‌آمیز داشته باشیم. البته این را نگذاشته و باز هم نخواهد گذاشت. چرا؟ چون خوب می‌داند که به سرعت برق و باد جارو می‌شود.

مقاومت ایران با رهبری مسعود، رسالت تاریخی خود را انجام داد، تابوی ولایت فقیه و سپاه جهل و جنایتش را در هم شکست و برای خلافت شیطان‌ی آخوندها آینده‌ی بر جا گذاشت



کانون‌های شورشی بن‌بست‌شکنی بزرگ

برپایی و تکثیر کانون‌های شورشی و شوراهای مقاومت یک بن‌بست‌شکنی بزرگ است که صحت و حقانیت خود را در قیام دی ماه ۹۶ و تحولات بعدی نشان داد. این مقاومت توانسته به‌رغم سلطهٔ اختناق شبکه خود را در داخل، سازمان و گسترش بدهد. اشرف این‌چنین در میان جامعه و مردم ایران تکثیر می‌شود. به‌لحاظ استراتژیک کانون‌های شورشی پاسخ رژیمی است که استحاله‌ناپذیر است و به خودی خود سرنگون نمی‌شود. و با رزم مجاهدان و کانون‌های شورشی و مردم ایران می‌توان و باید سرنگونش کرد.

رژیم برای مقابله با کانون‌های شورشی گشت‌های جدیدی درست کرده که به آن «گشت محله محور» و هم‌چنین «رضویون» می‌گوید. حتی گشت‌های موسوم به «امر به معروف و نهی از منکر» در بسیاری نقاط تغییر مأموریت داده و برای دستگیری اعضای کانون‌ها فعالیت می‌کنند.

اوایل امسال آخوند علوی وزیر اطلاعات رژیم از دستگیری ۱۱۶ تیم مجاهدین خبر داد. سپس مدیرکل اطلاعات آذربایجان شرقی دستگیری و برخورد با ۱۱۰ تن از مرتبطین با مجاهدین را فقط در یک استان اعلام کرد. و بعد از آن برای آنها احکام اعدام و محکومیت‌های سنگین صادر کرد.

اما دشمن نه قادر به درهم شکستن روحیه نیروهای مقاومت در زندان است و

نه قادر به مهار جنبش مقاومت و کانون‌های شورشی در شهرهاست.

هر جوان مشتاق آزادی و عدالت یک شورشی بالقوه یا بالفعل است. هم‌چنان که یکی از کانون‌های شورشی از تبریز نوشت: ما تا آخرش هستیم و همهٔ فراز و نشیب‌ها را پشت سر می‌گذاریم. پیروزی از آن ماست و صبح پیداست.

یک صد و ده سال پیش، پس از قهرمانی و فداکاری ستارخان و مجاهدانش در تبریز، یعنی بزرگ‌ترین شهر شورشی آن زمان، مجاهدین از رشت و اصفهان پیشروی کردند و تهران فتح شد. باشد که این بار مردم ایران با کانون‌های شورشی و ارتش بزرگ آزادی، تهران را فتح کنند و تمام ایران را از اشغال آخوندها آزاد سازند.

امروز بر سر مسأله ایران دو جبهه در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. یکی رژیمی است که به بن‌بست رسیده و دیگری مردم و مقاومتی که برای آزادی مبارزه می‌کنند.

بله آلترناتیوی وجود دارد که می‌خواهد از مسیر کانون‌های شورشی، شهرهای شورشی و ارتش آزادی به مقصد آزادی برسد.

این آلترناتیو قادر است یک جمهوری دموکراتیک و کثرت‌گرا مبتنی بر جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌ها و یک ایران غیراتمی برقرار کند.

شورای ملی مقاومت از طرحها و برنامه‌های مشخص برخوردار است، به‌یمن سازمان یافتگی و انسجام‌اش، قادر به جایگزینی این رژیم و قادر به انتقال آرام قدرت به نمایندگان منتخب مردم ایران است.

آری، دور نیست روزی که سرزمین
شیرخورشید میزبان آزادی باشد.
ما برآنیم که طرحی نو در اندازیم،
طرحی عاری از استبداد و ارتجاع و
تزویر و تبعیض،
و طرحی برای یک ایران آزاد و آباد.
پس همه با مارش پیروزی هم‌آواز
می‌شویم.

ایران را پس می‌گیریم
و ایرانی نو می‌سازیم.
آری ایران را پس می‌گیریم.



دوستان عزیز،

برای من مایه خوشحالی است که به شما در اشرف ۳، خوش آمد بگویم.

بار دیگر از شما به خاطر تلاش‌هایتان در حمایت از اشرفیان و مقاومت ایران قدردانی می‌کنم. تلاش‌هایی که سرانجام به انتقال امن و جمعی مجاهدین منجر شد. این یک موفقیت بزرگ بود که شما خود بخشی از آن هستید.

آخوندها و پاسداران، قتل‌عام پیش‌تازان و رزمندگان آزادی را می‌خواستند. اما ما در این کارزار آنها را شکست دادیم. این فرازی در مبارزه برای یک ایران آزاد بود. و مطمئنم شما به تلاش‌هایتان در کنار اشرفیان تا رسیدن به تهران و ایران آزاد و دموکراتیک ادامه خواهید داد.

امروز در اشرف ۳، در نمایشگاه ۱۲۰ سال مبارزه مردم ایران برای آزادی، جمع شده‌ایم. مبارزه‌یی با فراز و نشیب بسیار، با بسیاری شکست‌ها و پیروزی‌ها و با اشک‌ها و لبخندهای یک ملت اسیر و تحت ستم و سرکوب از جانب دو دیکتاتوری سلطنتی و سپس یک استبداد دینی. اما این مسیری است رو به پیش با پیروزی محتمل.

ما راه خود را از میان جوخه‌های اعدام، قتل‌عام، موشک‌باران، بمب‌گذاری‌ها و آن لیست‌گذاری‌ها باز کردیم که شما در کنار دانشان همراه ما بودید. بارها مانند ققنوس، آن پرنده افسانه‌یی سوختیم اما از خاکستر خود برخاستیم و از میان خصومت‌های بیمارگونه و کارزارهای شیطان‌سازی و تروریسم افسارگسیخته، سر بلند کردیم. آخوندهای حاکم بر ایران می‌خواهند بگویند آلترناتیو معتبری در کار نیست و سازمان مجاهدین پایگاه اجتماعی ندارد. اما تاریخ، با پایداری ما و مردم ما، آخوندها را به سخره می‌گیرد.

مریم رجوی: مسیری با پیروزی حتمی

سخنرانی مریم رجوی در نمایشگاه
۱۲۰ سال مبارزه مردم ایران برای آزادی

اشرف ۳-۲۱ تیر ۱۳۹۸





حلقه مفقوده مبارزات

۱۲۰ ساله مردم ایران

مبارزه ۱۲۰ ساله مردم ما، حلقات مفقوده برای پیروزی محتوم را یک به یک با پرداخت بهای سنگین پیدا کرده است. تشکیلات منسجم و مبارزه سازمانیافته، با یک نیروی مصمم و آبدیده و آماده فداکاری، یکی از حلقات مفقوده جنبش‌های قبلی مردم ایران بود که باعث شد به‌رغم همه فداکاری‌ها، آن مبارزات به نتیجه نرسند. اما حالا اشرف ۳ نماد مقاومت سازمانیافته مردم ایران برای آزادی است. وقتی من قسمت‌هایی از این نمایشگاه را دیدم، به‌رغم این‌که خودم بیش از ۴۰ سال در تمام لحظات و فراز و نشیب‌های این مقاومت بوده‌ام، اما در مقابل واقعیت این زنان و مردان و عظمت این مقاومت، و از سوی دیگر جنایت‌های رژیم آخوندی علیه بهترین فرزندان مردم ایران، باز شگفت‌زده شدم. فرصت نیست که تاثیرگذاری عمیق صحنه‌ها را برایتان بگویم. خودتان از نزدیک می‌بینید. از یک طرف ابعاد عظیم جنایت و از طرف دیگر ابعاد عظیم فدا، ایثار، ایمان، و حماسه‌های مقاومت عظیم پشستان مردم ایران، واقعا شگفت‌انگیز است. البته این نمایشگاه، تنها گوشه‌یی از تاریخ مبارزه مردم ایران برای آزادی را به نمایش می‌گذارد.



ملت ما در ابتدای قرن بیستم توانست در انقلاب مشروطه، دیکتاتوری مطلقه سلطنتی را پس بزند. اما در کمتر از ۱۵ سال در فقدان زیرساخت‌ها و نهادهای دموکراتیک، استبداد دوباره چیره شد. آزادیخواهان در فقدان رهبری و تشکیلات و سازماندهی، سرکوب شدند و با کودتای رضاخان، یک دیکتاتوری دیگر برقرار شد.

سی سال بعد، در سال ۱۳۳۰، دکتر مصدق رهبر جنبش ملی شدن نفت، اولین و تنها دولت واقعا ملی و دموکراتیک را در ایران تشکیل داد. اما در کمتر از دو سال و نیم در یک کودتای سیاه سرنگون شد. مصدق به زندان افتاد و فاطمی وزیر خارجه او اعدام شد.

” اگر مصدق فرصت می‌یافت که سنت دموکراتیک را در

ایران نهادینه کند، امروز چهره ایران و منطقه ما متفاوت

بود و بدون تردید بنیادگرایی و افراطی‌گری چنین

میدانی پیدا نمی‌کرد

دیکتاتوری سیاه شاه برای ۲۵ سال دیگر بر ایران حاکم شد.

اگر مصدق فرصت می‌یافت که سنت دموکراتیک را در ایران نهادینه کند، امروز چهره ایران و منطقه ما متفاوت بود و بدون تردید بنیادگرایی و افراطی‌گری چنین میدانی پیدا نمی‌کرد.

ولیعهد واقعی شاه، خمینی بود. در دیکتاتوری تک‌حزبی سلطنتی، احزاب سنتی از دور خارج شده بودند. در فقدان آزادی و احزاب سیاسی، کسی جز خمینی باقی نمانده بود.

شاه، رهبران مجاهدین و همه نیروهای مرفعی را اعدام کرد یا به زندان انداخت و چنین بود که خمینی، به‌عنوان مرجع دینی در تبعید، فرصت پیدا کرد بر امواج قیام‌ها و انقلاب مردم ایران سوار شود.



مسعود در سال ۱۳۶۰ شورای ملی مقاومت و شش سال بعد ارتش آزادیبخش ملی ایران را بنیان گذاشت.

در واقع او انقلاب مردم ایران را به سرقت برد و از ابتدا، دیکتاتوری دینی و به قول خودش، سلطنت مطلقه فقیه را برقرار کرد. اما بهرغم همه جنایت‌ها و قتل‌عام‌ها نتوانست شعله آزادی را خاموش کند.

آزادی، آرمان انقلاب ضدسلطنتی

سازمان مجاهدین تحت رهبری مسعود که به تازگی و با قیام مردم از زندان آزاد شده بود، از همان روز اول با شعار آزادی، پرچم مبارزه با دیکتاتوری دینی و ولایت فقیه را برافراشت. او اجازه نداد خمینی چهره سفاک خود را پشت ماسک مذهب پنهان کند. و اجازه نداد که به ثبات و استقرار خلافت ابدمدت شیطانی، تحت نام اسلام دست پیدا کند.

با شعار صلح و آزادی اجازه نداد خمینی جنگ ناعادلانه هشت ساله با عراق را ادامه دهد. جنگ خمینی با شعار فتح قدس از طریق کربلا و عراق، تنها در طرف ایران یک میلیون کشته و یک میلیون مجروح و معلول باقی گذاشت. همراه با هزار میلیارد دلار خسارت و ۴ میلیون آواره و ۵۰ شهر سوخته.

آخوندهای حاکم بر ایران می‌خواهند بگویند

آلترناتیو معتبری در کار نیست و سازمان مجاهدین

پایگاه اجتماعی ندارد. اما تاریخ، با پایداری ما و مردم ما،

آخوندها را به سخره می‌گیرد

در همان اوایل ورود خمینی به ایران، در دیداری که مسعود با او در تهران داشت، خمینی به مسعود گفت شما جوان هستید و جوان‌ها به حرف شما گوش می‌کنند. چند خط بنویسید کسانی که مذهبی نیستند حق فعالیت سیاسی ندارند و راه برای شما باز خواهد بود. مسعود پاسخ داد که نمی‌تواند این کار را بکند. زیرا مردم انقلاب کرده‌اند برای آزادی و از نظر ما اسلام دین آزادی است. خمینی سریعاً فهمید که مجاهدین حاضر نیستند آرمان و اعتقاد خود به آزادی را به‌خاطر کسب جاه و مقام ذبح کنند.



۴۰ سال نبرد بین استبداد و آزادی

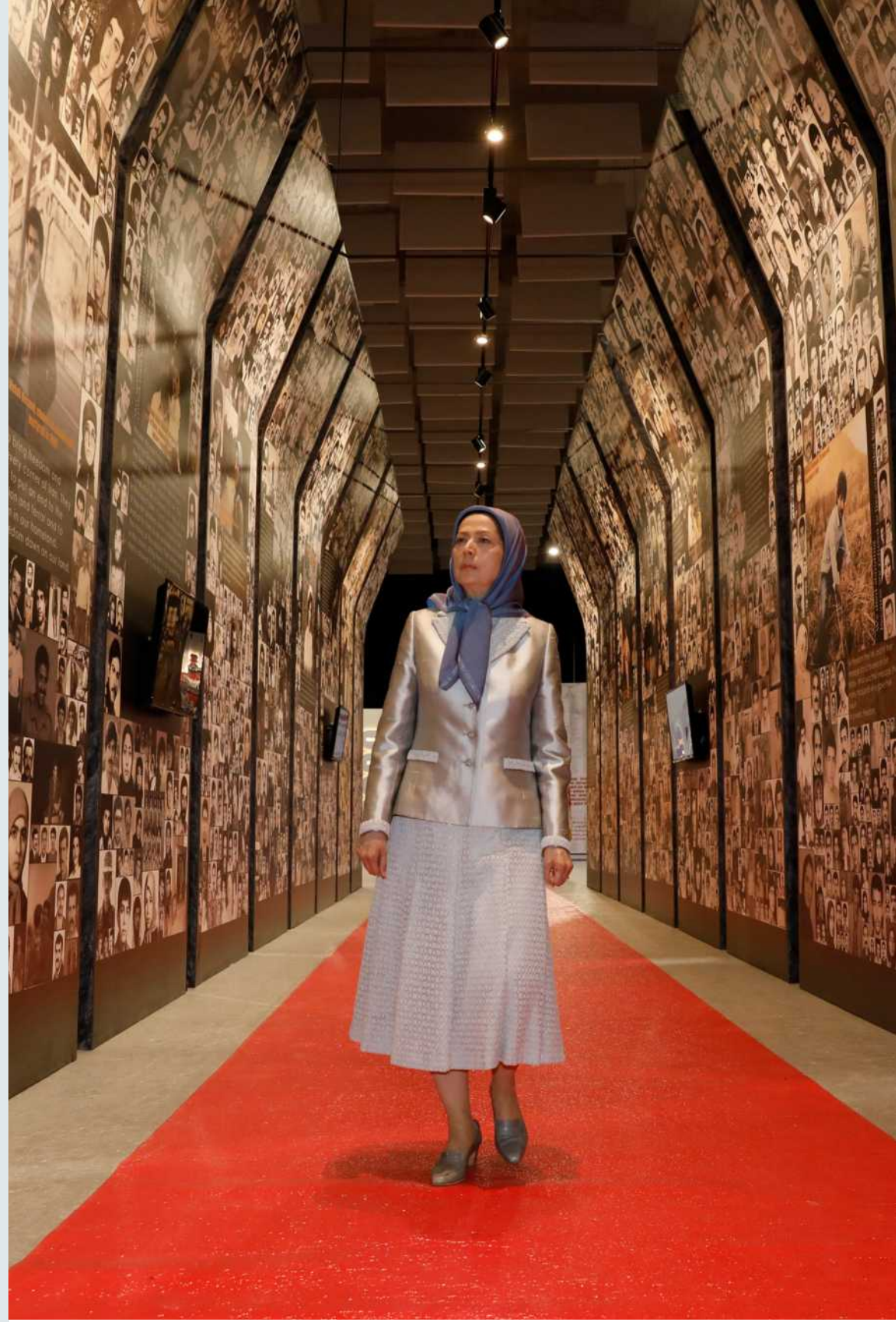
این آرمان، در ۴۰ سال، ۱۲۰ هزار شهید آزادی داشته است. از جمله ۳۰ هزار تن، تنها به خاطر ایستادگی بر سر نام مجاهد خلق در سال ۶۷ قتل عام شدند و نیم میلیون نفر دستگیر و سبانه شکنجه شدند.

خواهران زندانی ما را روزها و هفته‌ها در قفس، به صورت چمباتمه نگه می‌داشتند تا تسلیم شوند. برخی از زندانیانی که این شکنجه را برای ماه‌ها تحمل کردند، امروز در اینجا حضور دارند. شکنجه‌های وحشیانه‌ی مثل شکنجه مادر در مقابل فرزند و بالعکس، آویزان کردن زندانی از سقف و شکنجه‌های دیگر. ولی با این همه نتوانستند آنها را در هم بشکنند.

مقاومت این چنین ادامه یافت و در اشرف و لیبرتی امتداد و گسترش پیدا کرد. جنایات آخوندها، در اشرف و لیبرتی با ۲۲ ضرب الاجل طی یک دهه، محاصره پزشکی، شکنجه روانی با بیش از ۳۰۰ بلندگو برای دو سال و ۲۹ حمله زمینی و هوایی، زرهی و موشکی شامل ۷ حمام خون و قتل عام ادامه یافت. این قیمتی بود که هر کدام از این مجاهدان، با تمام وجودشان و با عواطفشان پرداختند. از هر کدام که سوال کنید به شما خواهند گفت که پایداری آنها مبتنی بر سه عنصر بود:

اول انتخاب آگاهانه راه خدا و خلق، یعنی مسیر تکامل و تاریخ،
دوم انتخاب آگاهانه آرمان آزادی مردم ایران و قیمت دادن برای آن،
و بالاخره ظرف مناسب برای تحقق این آرمان یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران که آخوندها ۴۰ سال است با تمام قوای اهریمنی خود در صدد نابود کردن آن هستند.

صحنه سیاسی ۴۰ سال گذشته در ایران سراسر، نبردی است بین استبداد و آزادی که مجاهدین پیشقراول آن هستند. در ایران از شمال تا جنوب، هیچ شهری نیست که از خون آنها گلگون نشده باشد.



اشرف سرفراز و قدرتمند به پا خاسته است

اما امروز ما به یک سرفصل تاریخی رسیده‌ایم. اشرفی که بار دیگر سرفراز و قدرتمند به پا خاسته و بر تارک این مقاومت می‌درخشد، اشرفی که در قالب ۱۰۰۰ کانون شورشی در همه جای ایران تکثیر شده است. و یک جامعه انفجاری که دیگر حاضر به تن دادن به رژیم آخوندی نیست و خواستار سرنگونی آن است.

در مقابل، رژیمی هست که غرق در بحران جنگ‌افروزی و تروریسم و تحریم‌های بین‌المللی و در فاز سرنگونی است. اما مردم و تاریخ ایران در جاده پیروزی محتوم حرکت می‌کنند.

در این مسیر سازمان مجاهدین، با هزار زن قهرمانی که شورای مرکزی آن را تشکیل داده‌اند، فراتر از یک سازمان سیاسی، برای مردم ایران، یک گنجینه ملی و امید برای آزادی و دموکراسی است. بی تردید آزادی بر استبداد پیروز می‌شود. و روز رهایی مردم ایران فرا می‌رسد.



چنین اجتماعی معمولاً در روز جهانی زن برگزار می‌شود، اما هر جا که زنان گردهم بیایند و درباره رسالت‌شان برای آزادی و برابری و برای رهایی جامعه، صحبت کنند، همان روز، روز زن است.

این واقعیت به‌خصوص در مورد زنان ایران صدق می‌کند. چون در برابر رژیمی مرتجع و بنیادگرا مقاومت می‌کنند که زن ستیزی بارزترین ویژگی آن است.

پیش از حاکمیت این رژیم، زنان در ابعاد گسترده در قیام ضدسلطنتی حضور داشتند. این، بیانگر جهشی در جایگاه زنان و نقش مبارزاتی آنان بود. حضور گسترده زنان در آن انقلاب، از سوابق و زمینه‌های مبارزاتی مهمی برخوردار بود. مشخصاً در دهه ۱۳۵۰ زنان پیشتاز، در مبارزه انقلابی علیه شاه فعالانه شرکت کردند. پیشتازانی هم‌چون فاطمه امینی، مرضیه اسکویی، اعظم روحی‌آهنگران و اشرف رجوی از زنان برجسته این مبارزه بودند که با فداکاری بسیار راه انقلاب را گشودند.

اما رژیمی که پس از آن به حاکمیت رسید یک استبداد مذهبی زن‌ستیز است. وقتی در سال ۵۷ روی کار آمد درست مثل این بود که سدی در مقابل رود خروشان حرکت و پیشروی زنان ایران گذاشته شد.

من بسیاری لحظه‌ها و روزهایش را به یاد دارم. انگار دو نیروی دشمن در میدان جنگ به هم رسیده باشند. دشمنی آخوندها با زنان و بیزاری و بی‌اعتمادی زنان نسبت به رژیم جدید از فردای به قدرت رسیدن خمینی شروع شد. یعنی به محض ربودن انقلاب و چنگ انداختن آخوندها به قدرت، سرکوب زنان با شعارهای یا روسری یا توسری و هم‌چنین مقاومت زنان در مقابل این رژیم شروع شد و تا امروز ادامه دارد.

خوب است به‌اختصار به موقعیت زنان ایران در چند زمینه اشاره کنم:

مریم رجوی: پیشرفت زنان در جنبش مقاومت مرهون نبرد مستمر با اندیشه‌های ارتجاعی و استثماری است



سخنرانی مریم رجوی
در کنفرانس پیشتازی زنان در مقاومت ایران

اشرف ۳-۲۳ تیر ۱۳۹۸

زن ستیزی

جانمایه و مبنای سیاست سرکوب رژیم

نسبت به تمام جامعه

در مورد مشارکت سیاسی باید بگوییم که در قدرت حاکم و در امر تصمیم‌گیری در تمام سلسله مراتب این حکومت، زنان نقشی ندارند. موضوع دیگر محروم کردن زنان از آزادی‌های فردی و اجتماعی و حق انتخاب آزادانه است. در مسافرت، در ازدواج و زندگی خصوصی، در اشتغال و فراگیرتر از همه حق انتخاب آزادانه پوشش را از زنان گرفته است. مسأله دیگر نابرابری‌ها و تبعیض‌های وحشتناک علیه زنان توسط رژیم آخوندی است. نابرابری فاحش در فرصت‌های شغلی، در دستمزدها، در خانواده، در تحصیل، شهادت در برابر دادگاه، استفاده از خدمات درمانی و بیمه، سهم‌الارث، فضای ورزشی و یک فهرست طولانی دیگر در همه عرصه‌ها.

۴۸

این تبعیض‌ها در هر جامعه‌ای، و در هر زمانی در تاریخ، برای این بوده و هست که مردم به‌بند کشیده شوند. سرکوب شوند و غارت شوند و حقوق سیاسی‌شان مصادره شود.

موضوع دیگر رواج خشونت و ناامنی علیه زنان است. زنان در ایران در هیچ کجا احساس امنیت نمی‌کنند. نه در محیط کار، نه در رفت و آمد در خیابان‌ها و نه حتی در محیط خانواده. رژیم با گشتی‌ها و مأموران امنیتی و انتظامی ویژه که کارشان فقط توهین به زنان یا دستگیری آنهاست این سرکوب را روزانه اعمال می‌کند.

۹۹ پاسخ مشترك تمام تعارضات، از فقر و تبعیض

تا سلب حق انتخاب آزادانه، آزادی است و برابری.

نه فقط برابری، و نه فقط آزادی.

۶۶ بلکه آزادی و برابری است

در زندان‌ها رفتار ضدانسانی نسبت به زنان بیداد می‌کند. از شروع دولت آخوند روحانی تا امروز ۹۰ زن توسط رژیم اعدام شده‌اند. وقتی که به‌عمق رفتار وحشیانه آخوندها علیه زنان نگاه می‌کنیم، معلوم می‌شود که این زن ستیزی جانمایه و مبنای سیاست سرکوب نسبت به تمام جامعه است.

۴۹



زنان: قربانیان اصلی توسعه فقر و محرومیت در ایران

هم‌چنین باید اشاره کنم به توسعه فقر و محرومیت که عمده قربانیان‌اش زنان‌اند. بیش از ۶۲ درصد زنان بالاتر از ده ساله خانه‌دار هستند. آن‌هایی هم که شغل دارند ارزان‌ترین نیروی کار نسبت به تمام دنیا هستند. زنان نیمی از کارگران کوره‌پزخانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

میانگین مشارکت اقتصادی زنان در خاورمیانه ۲۲ درصد ولی در ایران ۱۲ درصد در شهرهاست.

این نرخ بیش از پنج دهه است که تغییر نکرده است. سازمان بین‌المللی کار که وضعیت ۲۰۰ کشور را از این نظر بررسی کرده، نشان داده که ایران در میان شش کشوری است که در آخر جدول قرار دارند. یعنی در ردیف کشورهای جنگ‌زده و متلاشی شده مثل سوریه و عراق.

۹۹ میانگین مشارکت اقتصادی زنان در خاورمیانه
۶۶ ۲۲ درصد ولی در ایران ۱۲ درصد در شهرهاست

شاید شنیده باشید که لابی‌های رژیم می‌گویند اگر آخوندها سرنگون شوند ایران دچار آشوب و مصیبت می‌شود. در حالی که همین حالا در حاکمیت سیاه آخوندی زنان ایران مثل زنان کشورهای جنگ‌زده و حتی بدتر از آن دچار فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی هستند. به‌دستمزدهای اندک کارگران جوان توجه کنید که چه وضعیت دردناکی است.

دختران جوان با مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس به‌شغل‌هایی روآورده‌اند که حقوقشان ۱۰ الی ۲۰ دلار در ماه است. در واقع در بازار کار ایران زنان نه فقط به صورت کارگر ارزان بلکه تحت یک استثمار وحشتناک قرار دارند. از نظر ما پاسخ مشترک تمام این تعارضات، از فقر و تبعیض تا سلب حق انتخاب آزادانه، آزادی است و برابری.

نه فقط برابری، و نه فقط آزادی. بلکه آزادی و برابری است. این پاسخ در امر رهایی زنان است. به‌همین دلیل همیشه تاکید کرده‌ام که زن نه فقط رهاکننده خودش که رهاکننده جامعه است. این رسالتی است که بر دوش ماست و برای انجام آن مصمم هستیم.

زنان در صف مقدم نبرد با حاکمیت استبداد مذهبی

چند دقیقه پیش به‌حضور گسترده زنان در در نبرد با دو دیکتاتوری اشاره کردم. از شروع حاکمیت استبداد مذهبی زن ایرانی در صف مقدم نبرد و مهم‌تر از آن در موقعیت جلودار و راهگشا بوده است.

در آن زمان زنان برای روی آوردن به مبارزه به نسبت مردان با مشکلات مضاعفی روبرو بودند. مشکلات مخصوصا برای دختران مسلمان خیلی بیشتر بود. چون قبل از مجاهدین هیچ جریانی از زنان مسلمان در مبارزه با دیکتاتوری نداشتیم. این تابو را مجاهدین شکستند.

بعدا یکی از ویژگی‌ها و شگفتی‌های مبارزه مجاهدین به رهبری مسعود رجوی در برابر خمینی که مرجع دینی بود و مبارزه با ارتجاع و بنیادگرایی وارد شدن و روآوردن زنان مسلمان در ابعاد وسیع اجتماعی در سراسر ایران بود.

هزار زن پیشتاز

در شورای مرکزی سازمان مجاهدین

حالا شما در این جا هزار زن پیشتاز را می‌بینید. هزار زنی که از شهرهای مختلف ایران آمده‌اند: یا از دانشگاه‌های کشورهای آمریکا و اروپا یا ایران. شما در این جا سه نسل از زنان را در کنار هم می‌بینید.

در واقع بالاترین نهاد رهبری کننده سازمان مجاهدین خلق ایران تماماً از زنان مجاهد تشکیل شده است.

این دستاورد ثمره طی کردن مسیری است که مجاهدین از آغاز تحت رهبری مسعود رجوی با اعتقاد به آزادی و برابری طی کرده‌اند.

خوب است اشاره کنم که دو ماه بعد از روی کار آمدن خمینی، مجاهدین در بیانیه‌ی انتظارات مرحله‌ی خود را در پانزده ماده از نظام جدید اعلام کردند. در ماده ششم بیانیه «تأمین کامل حقوق سیاسی و اجتماعی زنان» خواسته شده بود و مشخصاً بر «تأمین دستمزد مساوی در برابر کار مساوی» برای زنان کارگر تأکید شده بود.

چند ماه بعد، وقتی که مسعود در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شد، یک برنامه ده‌ماده‌ی ارائه کرد که با تشکیل شوراهای مشارکت مردم در اداره کشور شروع می‌شد و هفتمین ماده آن برابری زن و مرد بود.

مواد دیگری مثل حقوق ملیت‌ها، آزادی کامل احزاب و عقاید و مطبوعات و مساوات میان شیعه و سنی هم در این برنامه بود که با استقبال و حمایت وسیع زنان، جوانان، ملیت‌ها و پیروان مذاهب گوناگون و تقریباً تمام گروه‌ها و احزاب مواجه شد. به‌طوری که خمینی وحشت‌زده شد و در یک تصمیم بسیار رسوا برخلاف قول خودش مسعود را از کاندیداتوری حذف کرد.

آن‌ها آزادی و برابری و اسلام دمکراتیک می‌خواستند اما از طرف رژیم هر روز فشار و سرکوب و محرومیت بیشتری بر زنان اعمال می‌شد.

البته تاریخچه مبارزه این چهار دهه علیه استبداد دینی با پیشتازی زنان مجاهد ممتاز شده است.

شما در این روزها نمایشگاهی را مشاهده کردید که برهه‌هایی از تاریخ مقاومت مردم ایران در این چهل ساله را نشان می‌دهد.

نمایشگاه یادآوری می‌کرد که زنان مقاومت از چه مسیر خونباری عبور کرده‌اند. شما تصویر قفس‌هایی را دیدید که محل نگهداری زندانیان بوده.

برخی از کسانی که مدت‌های مدید در آن قفس‌ها اسیر بودند حالا این‌جا در کنار شما نشسته‌اند.

شما تصویرهایی از شکنجه‌گاه واحد مسکونی را دیدید که محل آزار دادن سادیستی به طور شبانه‌روزی به زندانیان زن بود.

شما کسانی را می‌بینید که از بازماندگان قتل عام ۶۷ هستند و در همین جمع زنانی را می‌بینید که از آن شرایط هولناک عبور کرده‌اند و سرفرازانه به‌وظایف مبارزاتی خود مشغولند.

درباره نبرد این زنان در شکنجه‌گاه آخوندها و درباره برخی از ده‌ها هزار زنی که در این چهل سال شکنجه یا اعدام شدند؛ از فاطمه مصباح سیزده ساله تا مادر ذاکری هفتاد ساله، کتاب‌های متعددی نوشته شده است. با این حال داستان این مقاومت‌ها هنوز به‌یقین داستان ناگفته‌ی است.

از تحمل شکنجه‌های شدید، مقاومت در برابر رفتار حیوانی بازجوها و پاسداران، مبارزه برای حفظ جمع و روحیه جمعی و رزمنده در بندهای زندان، تا تلاش برای ایجاد هسته‌های جدید مقاومت.

شایستگی این زنان در میدان نبرد آزادی‌بخش هم خود را نشان داد. سختی‌ها و پیچیدگی‌های حضور زنان در صفوف یک ارتش برای جنگ با دشمن فصل جداگانه‌ای است؛ این که، چطور واحدهای رزمنده خودشان را شکل بدهند، چطور آموزش ببینند و چطور فرماندهی کنند. و یا اینکه چطور در ۱۴ سال پایداری در اشرف و لیبرتی با همه موانع جنگیدند و از مقاومت دست نکشیدند.



در چنین کشاکشی بود که نسلی از دختران و زنان جوان روز به روز به آگاهی مبارزاتی تازه‌یی دست یافتند و وسیعاً در مبارزه ضد ارتجاعی و نبرد برای آزادی و برابری شرکت کردند.

از فرازهای مهم این مبارزه درخشش دختران جوانی است که با وجود سن پایین بیشترین مقاومت‌ها را در برابر پاسداران و شکنجه‌گران داشتند. در میان آن‌ها قهرمانانی مانند حمیرا اشراق یا زهرا و کبری ابراهیمیان و ثریا ابوالفتحی را مشاهده می‌کنیم که نام‌شان همواره در تاریخ مبارزات زنان باقی است.

آن‌ها با مسعود رجوی و با ایمان به راه و آرمان او یعنی آزادی چشم به‌دنایای سیاست و مبارزه گشودند و هرکدام پیشتازان این راه شدند. دخترانی که امروز در کانون‌های شورشی به مبارزه مشغولند امتداد همان مسیرند. بنابراین وقتی از اعضای شورای مرکزی مجاهدین صحبت می‌کنیم، این زنان اولاً از زندان‌ها و از میدان‌های نبرد راه خود را باز کرده‌اند.

ثانیاً، از مبارزه با دو ایدئولوژی سهمگین راه خود را گشوده‌اند. یکی علیه جنسیت‌گرایی دیگری علیه فردیت‌گرایی منفی. به‌عمد کلمه منفی را به کار بردم تا مرز این ایدئولوژی اسیرکننده از فردیت کمال‌یابنده انسان روشن باشد. این زنان مسئولیت سنگینی را پذیرفته‌اند. انتخاب کرده‌اند که در شکست و پیروزی، در همه تلاطم‌ها و بالا پایینی‌ها آن را رها نکنند.

ضرورت مسئولیت‌پذیری و رهبری زنان

ضرورتی که مسئولیت‌پذیری و رهبری را بر دوش زنان می‌گذارد، امر رهایی جامعه است. این مسئولیت ماست. ما باید به‌اساسی‌ترین رنج‌ها و چالش‌هایی که در جوامع مان هست، پاسخ بدهیم.

زنان ایران، امروز پاسخ سرنگونی و فردا آورنده صلح و سازندگی

در همین مسیر، زنان می‌توانند و باید نقش پیشتاز داشته باشند. و از همین جاست که زنان ایران، امروز پاسخ سرنگونی استبداد دینی هستند و فردا صلح و سازندگی را به‌ارمغان می‌آورند.

خوشبختانه امروز پیام‌رهای بخش مجاهدین و مشخصاً امر برابری با اقبال دختران و پسران جوان در شهرهای ایران رو به‌رو شده است.

کانون‌های شورشی که در دو سال اخیر گسترش پیدا کرده‌اند، عمیقاً تحت تأثیر الگویی هستند که زنان این مقاومت ایجاد کرده‌اند.

جوانی از خرم‌آباد نوشته است: «جوانه‌یی از درخت تنومند مجاهدین‌ام، می‌رویم، زنده هستم و می‌جنگم. من مجاهدم، پس هستم».

و این‌هم جملاتی از نامه مینا عضو یک کانون شورشی: «من شکوفایی گل‌های امیدم را در رویاها می‌بینم، و ندایی که به من می‌گوید: "گرچه شب تاریک است دل قوی دار، سحر نزدیک است" دل من در دل شب خواب پروانه شدن می‌بیند».

این دختران و پسران آگاه و دلیر، از ۴ دهه فداکاری و پایداری مجاهدین الهام گرفته و می‌گیرند. برای آن‌ها اعتقاد و پایبندی مجاهدین به آزادی و برابری الگوی زنده و سمت‌دهنده‌یی در مبارزه علیه استبداد حاکم است.

می‌خواهم در همین جا به‌زندانان سیاسی ایران به‌خصوص خواهران مبارز و مجاهدم که در زندان‌های خامنه‌ای در شهرهای مختلف ایستادگی می‌کنند، درود بفرستم.

آن‌ها، علاوه بر مخالفت با دیکتاتوری، جرم نابخشدنی‌شان این است که زنان به‌پاخاسته‌اند.

مسأله فقر و تبعیض، مسأله کودکان بی‌پناه، آوارگان، فجایع زیست محیطی، از همه مهم‌تر مشارکت سیاسی و اجتماعی همه آحاد جامعه، حق انتخاب آزادانه و البته رهایی زنان و مردان از جنسیت‌زدگی همه و همه مسوولیت ماست. باید تأکید کنم که برابری و رهایی زن، تنها و تنها وقتی اصالت دارد، و هنگامی می‌تواند بازگشت‌ناپذیر باشد و وقتی می‌تواند پاسخگوی مسوولیت‌هایی باشد که پذیرفته، که با رهایی مردان همراه باشد.

این دستاوردی است که جنبش ما از آن برخوردار شده. یعنی اعتلای انسانی مردان پیشتاز که بر جنسیت‌گرایی و نظام مردسالار شورش کرده‌اند، برای ساختن یک مناسبات واقعاً برابر تلاش می‌کنند و در این مسیر خودشان رها می‌شوند.

اگر جنبش ما عمیقاً نافی بهره‌کشی و همه کارکردهای سیاسی و اجتماعی و فکری و فرهنگی آن نبود، زنان نمی‌توانستند در این مواضع به‌صورت پایداری حضور داشته باشند. پیشرفت زنان در جنبش مقاومت قبل از هرچیز مرهون یک نبرد مستمر با اندیشه‌های ارتجاعی و استثمارگری است.

در اندیشه انسان، درجه دو بودن زن و ناتوانی‌هایی که به زن نسبت می‌دهند تفکر غالب است و قدمت آن به‌اندازه تاریخ بشر است.

اما زنان این مقاومت با انتخاب مبارزه با دیکتاتوری مذهبی که ویژگی‌اش زن‌ستیزی است، با این اندیشه جنگیدند و این مبارزه و نبردی است که ادامه دارد. این زنان هر چه آثار اندیشه فردیت فروبنده را بیشتر پس می‌زنند و هر چه مناسبات آن‌ها با هم بهتر می‌شود به مدار جدیدی از توانمندی و مسوولیت‌پذیری می‌رسند و راه پیشرفتشان هموار می‌شود. و در همین جاست که بروز استعدادهای درخشان و فوران انرژی‌های انسانی را مشاهده می‌کنیم.

یعنی مسیر حرکت فرد از یک زندگی ایزوله و در لاک خودبودن به زندگی اجتماعی که محصول تکامل انسان است، آن‌هم در بالاترین سطح مناسبات، مستلزم یک نبرد مستمر است.



زن بودن و تسلیم نشدن، زن بودن و در میدان مبارزه بودن، زن بودن و به جای به خود فکر کردن، به‌رهایی مردم اسیر فکر کردن؛ این چیزی است که آخوندها را به‌مرز خفگی و جنون می‌رساند.

اجازه بدهید در پایان، خواهرانم در ایران به‌خصوص دختران آگاهی را که از وضع موجود و شرایط غیرقابل تحمل حاکم به‌ستوه آمده‌اند، خطاب قرار بدهم. امروز وضع فوق‌العاده‌ای حاکم است، رژیم راه پس و پیش ندارد، جامعه مثل آتش زیر خاکستر است، اقتصاد کشور در حال فلج‌شدگی کامل است. رژیم آخوندی شب و روز تقلا و تکاپو می‌کند، می‌کشد و غارت می‌کند تا زن ایرانی تسلیم شود.

” راه و رسمی که زنان و دختران آگاه و شورشی

با الهام گرفتن از هزار زن اشرافی پیش رو دارند.

” يك مبارزه رهاکننده و رهایی‌بخش است

۵۸

اما راه و رسمی که زنان و دختران آگاه و شورشی با الهام گرفتن از هزار زن اشرافی پیش رو دارند، یک مبارزه رهاکننده و رهایی‌بخش است. الگویی است که در آن نگاه‌ها، استانداردها، ذهنیت‌ها و ارزش‌های جنسیت‌زده جایی ندارد. الگوی زن به‌پاخاسته است که در آن زن، تعیین‌کننده، مولد، اثرگذار و راه‌گشاست. سرنوشت سیاسی جامعه و کشور را سرنوشت خودش می‌داند. نجات ایران از دیکتاتوری و فقر و عقب‌ماندگی را مسئولیت خودش می‌داند. نجات میلیون‌ها کودک گرسنه و بی‌پناه را کار خودش می‌داند. نجات این همه زن تیره‌بخت را که سرنوشت‌شان را با ننگ و عار آلوده کرده‌اند، مسئولیت خود می‌داند.

این چنین است که زن آگاه و شورشگر میدان مبارزه و نبرد برای رهایی را در می‌نوردد و این چنین است که آرمان برابری را محقق می‌کند.

” زن بودن و تسلیم نشدن،

زن بودن و در میدان مبارزه بودن،

زن بودن و به جای به خود فکر کردن،

به‌رهایی مردم اسیر فکر کردن؛ این چیزی است که

” آخوندها را به‌مرز خفگی و جنون می‌رساند

در آستانه سی و یکمین سالگرد شهادت سی هزار زندانی سیاسی هستیم که بر اساس حکم خمینی به جرم «سر موضع» بودن و وفای به عهد، بر سر نام مجاهد و آرمان آزادی مردم ایران قتل عام شدند.

به آن جان‌های جوان، آن عاشقان آزادی و زیبایی، آئینه‌های پاک آروزهای مردم ایران، هزاران درود.

گرچه یاران فارغانند از یاد من
از من ایشان را هزاران یاد باد
گرچه صد رود است از چشم‌ام روان
زنده‌رود باغ‌کاران یاد باد

قتل عام‌شدگان، وجدان شورشی و شورشگر تاریخ ایران‌اند. گوهر صدق و فدا و وفا که جامعه ما در قلب خود محفوظ داشته و حیات حقیقی‌اش از آن می‌جوشد.

“قتل عام‌شدگان، وجدان شورشی و شورشگر تاریخ ایران‌اند.

گوهر صدق و فدا و وفا که جامعه ما در قلب خود

“محفوظ داشته و حیات حقیقی‌اش از آن می‌جوشد

در گیرودار کشتارها، در یکی از بندهای زندان اهواز دو آخوند جلاد به‌نام‌های جزایری و عبداللهی فریاد می‌زدند: باید موضع بگیرید؛ یک طرف خمینی است و یک طرف مسعود رجوی، شما در کدام طرف می‌ایستید؟
از انتهای بند دختری چنین خروشید: زنده باد مسعود، مرگ بر خمینی. او سکینه دلفی بود؛ قهرمان ۲۶ ساله‌یی از فرزندان مردم آبادان. با شنیدن خروش او، پاسداران بر سرش ریختند و به‌شدت مجروحش کردند. فردا روز از این بند ۳۵۰ نفری، ۳۴۹ نفر، به‌دار آویخته شدند.

مریم رجوی:

قتل عام ۶۷

تصادم خونین قرون وسطی
و نسل فردا

۰۴

سخنرانی مریم رجوی در کنفرانس

دادخواهی قتل عام ۶۷

اشرف ۳-۲۴ تیر ۱۳۹۸

گوهر صدق و فدا این چنین خلق و پرداخته شد و سرمایه آرمانی جامعه ایران برای آزادی و آینده گردید. پس ما باز هم سروده محمود حسنی فرزند مردم شاهرود را تکرار می‌کنیم که وقتی همراه با ۶۰ مجاهد دیگر در حال عبور از دالان مرگ در زندان اوین بود، چنین زمزمه می‌کرد:

وقتی که شب‌هنگام
شهاب روشنی را در آسمان دیدی
از یاد مبر شعله‌های سرکشی را
که در شبهای سرد اوین خاموش گشتند
تا که بامدادان سرزند ستاره‌یی.



وقتی که شب‌هنگام
شهاب روشنی را در آسمان دیدی
از یاد مبر شعله‌های سرکشی را
که در شبهای سرد اوین خاموش گشتند
تا که بامدادان سرزند ستاره‌یی

قتل عام ۶۷

صحنه هولناک یک رویارویی تاریخی

قتل عام زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز، تصادم خونین قرون وسطا و نسل فردا بود. نسل برپادارنده انقلاب بهمن که عزم یک جامعه آزاد و برابر را داشت، با هیولای استبداد دینی و هجوم سرکوب و غارت مواجه شد. قتل عام ۶۷ صحنه هولناک این رویارویی تاریخی بود؛ اما پایان آن نبود بلکه با همه دردناکی اش، آغاز تازه‌یی از کشاکشی بود که هم‌چنان ادامه دارد و سرنوشت جامعه ایران را قرین آزادی می‌کند.

از این نظر واقعه قتل عام با آزادی و آینده ایران گره خورده است؛ با حقوق بشر سنگسار شده ایران؛ با مقاومت برای آزادی و برابری؛ با خیانت مماشات‌گران خارجی؛ با ترس و خفت ننگ‌آلود تسلیم‌طلبان داخلی و البته با سرنگونی رژیم. زیرا روزی که آخوندها بر اثر جنبش دادخواهی مردم ایران وادار شوند پرونده این جنایت بزرگ را باز کنند، روز پایان حکومت ولایت فقیه است.

در بسیاری از گواهی‌های شاهدان بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که قهرمانان زندانی در برابر شکنجه‌گران و جلادان، ایستادگی می‌کردند و به مسعود درود می‌فرستادند. جملات سخنرانی‌های او را که حفظ کرده بودند، با هم‌بندان‌شان زمزمه می‌کردند و در ملاقات‌ها با ایما و اشاره از او خبر می‌گرفتند.

آن‌ها در تکرار این سرخ‌ترین نام زمانه ما، پیامی داشته و دارند. پیام‌شان این است که ای نسل‌هایی که پس از ما می‌آید، ای جوانانی که داستان تمام نشده ما را می‌شنوید، راه و آرمان مسعود را در پیش بگیرید!

راه نبرد برای جامعه‌یی عاری از ستم و بهره‌کشی، عاری از اختناق و استبداد و عاری از جهل و فریب. و راه و آرمانی که با کلمه مقدس آزادی معنی می‌شود.

نقطه عزیمت خمینی از قتل عام ریشه‌کنی کامل مجاهدین بود

می‌دانید که در قتل عام ۶۷ همان طور که خمینی در حکم خودش نوشته بود، نقطه عزیمت او ریشه‌کنی کامل مجاهدین بود. به این منظور او ماشین کشتار را در چند پهنه به کار گرفت:

فشرده‌ترین موج قتل عام در زندان‌های اوین و گوهردشت آغاز شد و هدف آن به‌طور خاص اعضای مجاهدین بود. منتظری، جانشین سابق خمینی، کشتارها در این دو زندان را یک «قصابی ... که در هیچ جای دنیا انجام نشده» توصیف کرده است.

تازه‌ترین فهرست گرد آوری شده توسط سازمان مجاهدین

از قتل عام شدگان، اسامی ۱۱۰ شهرستان

از شهرستان‌های محل اعدام را نشان می‌دهد

در سوم شهریور ۶۷، مسئول شورای ملی مقاومت، مسعود در تلگرامی به‌دبیرکل ملل متحد خاویر پرز دو کوئلار، فاش کرد که: «فقط در روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ مرداد ۸۶۰ جسد از زندانیان سیاسی اعدام‌شده از زندان اوین تهران به گورستان بهشت‌زهره انتقال داده شده».

بخش مهم دیگری از قتل عام، کشتار گسترده در زندان‌های مراکز استان‌ها و شهرستان‌هاست که بر اساس حکم خمینی صورت گرفت. در آن حکم خمینی گفته بود قضات رژیم نباید هیچ فرصتی را برای احاله پرونده‌ها به مراکز استان‌ها از دست بدهند؛ بلکه باید مجاهدین را در هر زندانی که هستند، اعدام کنند. تازه‌ترین فهرست گرد آوری شده توسط سازمان مجاهدین از قتل عام‌شدگان



اسامی ۱۱۰ شهرستان از شهرستان‌های محل اعدام را نشان می‌دهد. در نمایشگاهی که نبرد تاریخی مردم ایران با استبداد دینی را به تصویر کشیده و شما دیدید، یک صحنه چشمگیر نقشه‌های جداگانه یک به یک استان‌های ایران است که نشان می‌دهد در هر یک از آن‌ها بدون استثنا بی‌شمار فرزندان مردم ایران در قتل عام سال ۶۷ و در اعدام‌های بی‌وقفه دهه ۶۰ و بعد از آن به شهادت رسیده‌اند.

یعنی مردم ایران از هر ملیت و مذهبی و از هر شهر و استانی برای سرنگونی رژیم و به دست آوردن آزادی با پرداخت سنگین‌ترین بها متحد و همبسته بوده و هستند. تصادفی نیست که درست از همین شهرها و استان‌ها دائماً قیام‌ها و جنبش‌های اعتراضی می‌جوشد و شهرهای شورشی یک به یک بر می‌خیزند. جامعه ما با چنین آتش بنیان‌کنی که در دل دارد راه پس و پیش برای خامنه‌ای باقی نگذاشته است. و سرنگونی تقدیر محتوم رژیم آخوندی است.

قتل عام با آزادی و آینده ایران گره خورده است؛ با حقوق بشر سنگسار شده ایران؛ با مقاومت برای آزادی و برابری؛ با خیانت مماشات‌گران خارجی؛ با ترس و خفت ننگ‌آلود تسلیم‌طلبان داخلی و البته با سرنگونی رژیم

واقعۀ مهم دیگری، که به موازات همان قتل عام‌ها در بیرون زندان‌ها به راه افتاد، دستگیری وسیع زندانیان آزاد شده قبلی یا هواداران مجاهدین و سپس اعدام آنان در زندان‌ها بود. در همان ماهی که قتل عام آغاز شد، مسئول شورای ملی مقاومت در تلگرامی به دبیرکل ملل متحد، فاش کرد که هم‌زمان با اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی «موج گسترده دستگیری‌های سیاسی در شهرهای مختلف ایران آغاز شده که بیش از ۱۰ هزار نفر را شامل می‌شود».

بعد از آن دکتر کاظم رجوی، شهید بزرگ حقوق بشر، که در آن زمان نماینده‌ی شورا در اجلاس رسمی کمیسیون تحقیق ملل متحد درباره

ناپدیدشدگان سیاسی در مقر ملل متحد در ژنو بود، در سخنرانی خود گفت: «رژیم خمینی در گرماگرم پذیرش قطعنامه شورای امنیت، تمامی خشم خود را متوجه هواداران مقاومت در داخل کشور کرده است. بطوری که از روز اعلام آتش‌بس تاکنون، هر روز صدها نفر از مردم شهرهای مختلف ایران را ربوده و مخفیانه به جوخه‌های اعدام سپرده یا در زندان‌ها به بند کشیده است».

در تاریخ ۲ مرداد ۶۷، خمینی به‌صورت محرمانه حکم برپایی یک دادگاه ضربتی، زیر عنوان «دادگاه رسیدگی به تخلفات جنگی» را صادر کرد و آخوند علی رازینی را به‌ریاست آن گمارد. متن کامل این حکم محرمانه سه ماه بعد از سوی مقاومت ایران افشا شد.

اما دادگاه در روزهای بعد به‌سرعت تغییر جهت داد و حامیان مجاهدین را در غرب کشور هدف قرار داد. آن‌ها مردم مناطق غرب ایران بودند که به‌حمایت از مجاهدین برخاسته بودند و نیز جوانانی که از سایر استان‌های ایران به‌همین منظور به‌غرب کشور رفته بودند.

در ۲۶ مرداد همان سال مسئول شورای ملی مقاومت در تلگرافی به‌دبیرکل سازمان ملل و رهبران پنج عضو دائمی شورای امنیت درباره اعدام گسترده افرادی هشدار داد که در نبردهای ارتش آزادی‌بخش حضور نداشته و تنها به‌خاطر هواداری از مجاهدین اعدام می‌شوند.

سکوت و مصونیت دادن دولت‌های غرب به قاتلان به‌خاطر سیاست مماشات

هفتم از بازگویی این وقایع این است که یادآوری کنم که از همان اولین هفته‌های پس از شروع قتل‌عام، مقاومت ایران به‌افشاگری بین‌المللی فعالی دست زد تا جهان و به‌خصوص دولت‌های غرب را به‌واکنش برانگیزد. اما آن‌ها



به دلیل سیاست مماشات که تازه شروع کرده بودند، نسبت به این فراخوان‌ها سکوت کردند.

در حقیقت یکی از زیانبارترین کارکردهای سیاست مماشات مصونیت دادن به قاتلان حاکم است جنایتی که از اوایل دهه ۶۰ شروع شده بود و در جریان قتل عام به اوج رسید و همچنان ادامه دارد.

مصونیت دادن به سرمداران رژیم، به آنها فرصت داد تا همانطور که کشتار زندانیان و دستگیرشدگان را برطبق یک طرح منظم به اجرا گذاشتند، کتمان این جنایت را هم با یک طرح کنترل شده دنبال کنند.

می‌دانید که رژیم از سال ۶۷ تا به حال به تلاشهای زیادی برای از بین بردن آثار گورهای جمعی قتل عام شدگان در سراسر ایران دست زده. از جمله ساختمان‌سازی یا احداث جاده در این گورستان‌ها، تغییر شکل آن‌ها به وسیله بولدوزر، تبدیل آن‌ها به گورستان‌های جدید و همچنین با دستگیری و شکنجه خانواده‌هایی که در پی یافتن مزار عزیزان‌شان بودند. بخش قابل توجهی از اطلاعات و حتی عکس‌ها و تصاویر این تخریب‌ها هم منتشر شده. اما جامعه جهانی در اساس جز سکوت و تماشا، واکنشی نداشته است.

رژیم حاکم از انتشار اطلاعات و جزییات قتل عام زندانیان سیاسی طفره می‌رود، اما مصون از پاسخگویی بین‌المللی است. از گفتن نشانی مزار اعدام شدگان به خانواده‌هایشان خودداری می‌کند، گورهای جمعی را تخریب می‌کند، اما از هرگونه حسابرسی مصون مانده است.

بالاترین مسئولان این جنایت و اعضای هیأت‌های مرگ در زمره گردانندگان ارشد حکومت‌اند از رئیس قضاییه و رئیس دیوان عالی تا وزیر به اصطلاح دادگستری، که از هرگونه حسابرسی مصون مانده‌اند.

عده‌یی از آن‌ها از جمله خامنه‌ای، از کشتار ۶۷ دفاع می‌کنند و حتی می‌گویند به آن افتخار می‌کنند، اما هم‌چنان از مصونیت برخوردارند. چنان که عفو بین‌الملل در گزارش دسامبر گذشته (آذر ۹۷) خود درباره قتل عام گفته است: «ایران با یک بحران مصونیت مواجه است» و «استمرار جنایت‌ها در ایران مستقیماً به مصونیتی ربط دارد که مقامات رژیم ایران از آن بهره برده‌اند».

همین مصونیت دادن‌ها و چشم‌پوشتن‌هاست که رژیم را در عرصه صدور تروریسم و جنگ افروزی نیز جری‌تر کرده است.

زمان پایان دادن به سه دهه

مصونیت سران رژیم

زمان آن است که جامعه جهانی به سه دهه مصونیت سران رژیم آخوندی از پاسخگویی به جنایت‌هایش خاتمه بدهد.

زمان آن است که پرونده نقض حقوق بشر در ایران به خصوص اعدام‌های دهه ۶۰ و قتل عام ۶۷ به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود.

زمان آن است که خامنه‌ای و دیگر سرمداران رژیم به خاطر ارتکاب جنایت علیه بشریت در برابر عدالت قرار گیرند.

زمان آن است که سازمان ملل یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی درباره قتل عام ۶۷ تشکیل دهد.

و زمان آن است که جهان حق مردم ایران را برای مقاومت و نبرد برای سرنگونی فاشیسم دینی به رسمیت بشناسد.

از جامعه جهانی، شورای امنیت و کشورهای عضو و شورای حقوق بشر و دیگر نهادهای ذیربط ملل متحد، اتحادیه اروپا و مدافعان حقوق بشر و جویندگان عدالت در سراسر جهان می‌خواهم که برای پایان دادن به مصونیت مسئولان این قتل عام اقدام کنند. چگونه جهان تحمل می‌کند که در ملل متحد در کنار کسانی بنشینند و مذاکره و معامله کند، که دستشان در خون دهها هزار زندانی سیاسی است؟ این توهین به حقوق بشر است این میدان دادن به افراتی‌گری و بنیادگرایی است، و این زیر پا گذاشتن عدالت و دموکراسی، نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه و تمامی جهان است. قتل عام زندانیان سیاسی بزرگترین قتل عام زندانیان بعد از جنگ جهانی دوم است.

جنبش دادخواهی جنبش مظلومان و سرکوب‌شدگان

عموم ایرانیان در داخل و خارج کشور را فرامی‌خوانم که به‌پیشبرد و گسترش جنبش دادخواهی قتل‌عام‌شدگان به‌هر میزان و به‌هر شکل که می‌توانند یاری برسانند. این جنبش مظلومان است. این جنبش سرکوب‌شدگان است. این جنبش داغداران است. هرکس که در این رژیم طعم زندان و اسارت را چشیده است، هرکس که شلاق خورده است و هر زنی که مورد تعدی و تحقیر قرار گرفته و هر کس که وجدانش از این همه جنایت جریحه دار شده، عضوی از جنبش دادخواهی است.

ما یک روز در برابر جنگ طلبی خمینی پرچم صلح را برافراشتیم و آن قدر ایستادیم تا به یمن نبردهای ارتش آزادی بخش جام زهر آتش بس را به حلقوم خمینی ریختیم. یک روز در برابر برنامه شوم بمب سازی اتمی به مبارزه برخاستیم و آن قدر در این مبارزه پایداری کردیم تا جام زهر اتمی را به حلقوم خامنه‌ای سرازیر کردیم و حالا عهد کرده‌ایم که آن قدر بر این دادخواهی پایداری کنیم و آن قدر بایستیم تا جام زهر حقوق بشر و جام زهر پرونده قتل عام شدگان به حلقوم این رژیم ریخته شود. آری هزار جام زهر در خدمت هزار اشرف برای به زیر کشیدن آخوندها و برای آزادی.

جنبش دادخواهی ادامه دارد: ما تا روشن شدن تمام اطلاعات این جنایت بزرگ؛ تا معلوم شدن نشانی مزار تمام خواهران و برادرانمان، تا روزی که یک به یک جلادان حاکم پای میز عدالت کشیده شوند و تا روزی که نظام قتل عام و ولایت قتل عام توسط مردم ایران و کانون‌های شورش و ارتش بزرگ آزادی سرنگون شود.

” زمان آن است که خامنه‌ای

و دیگر سردمداران رژیم به خاطر ارتکاب

جنایت علیه بشریت در برابر عدالت قرار گیرند

“



پیام‌های مریم رجوی به هموطنان شرکت‌کننده در تظاهرات جهانی ایرانیان

در پاسخ به فراخوان مسعود رجوی، ایرانیان آزاده در خارج کشور سلسله تظاهرات بزرگی در شهرهای بروکسل، واشینگتن، برلین، استکهلم و لندن در همبستگی با قیام و مقاومت مردم ایران برای تغییر رژیم، حمایت از کانون‌های شورشی و ارتش آزادیبخش ملی و پشتیبانی از آلترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت برپا کردند.

این تظاهرات در شهرهای بروکسل (۲۵ خرداد ۱۳۹۸)، واشینگتن (۳۱ خرداد ۱۳۹۸)، برلین (۱۵ تیر ۱۳۹۸)، استکهلم (۲۹ تیر ۱۳۹۸) و لندن (۵ مرداد ۱۳۹۸) برگزار شد.

ایرانیان به خیابان‌های شهرهای بزرگ سرازیر شدند تا نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران و تروریسم و جنگ‌افروزی رژیم در منطقه را محکوم نموده و «در همه جا صدای رسای مردم ایران و ارتش آزادی‌ستان باشند».

مریم رجوی طی پیام‌هایی به هموطنان شرکت‌کننده در این تظاهرات جهانی، از آنان تقدیر کرد.

اجتماع امروز شما تجسم شرف و وجدان ملی است

در آستانه ۳۰ خرداد: سرفصل مقاومت تاریخی برای آزادی و دستیابی به حاکمیت مردم در برابر حاکمیت و سلطنت مطلقه آخوندی، روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تاسیس ارتش آزادیبخش ملی، اجتماع امروز شما شعله‌های فروزان امید است؛ تجسم شرف و وجدان ملی است و پرچم زنده و پرافتخاری است که مظهر پایداری در برابر یک رژیم سفاک و ارتجاعی است و هم مظهر آینده پرشکوهی است که به‌سوی آن در حرکتیم. آزادی به‌دست نمی‌آید؛ مگر آن‌که صفی از زنان و مردان از خودگذشته، با عزمی استوار و بدون چشمداشت به هرگونه منفعت شخصی پای آن بایستند و مقاومت کنند.

۷۹

” آزادی به‌دست نمی‌آید؛ مگر آن‌که صفی از زنان و مردان

از خودگذشته، با عزمی استوار و بدون چشمداشت

” به هرگونه منفعت شخصی، پای آن بایستند و مقاومت کنند

درود بر زنان و مردان شجاعی که در کانون‌های شورشی و شوراها مردمی مقاومت، این صف را در سراسر ایران تشکیل داده‌اند و افتخار بر شما که این صف را در قلب اروپا و در مقابل اتحادیه اروپا در بروکسل امتداد داده‌اید.

فراخوان به اتحادیه اروپا برای تحریم‌های همه‌جانبه دیکتاتوری حاکم بر ایران

پیام مریم رجوی

به تظاهرات ایرانیان در بروکسل

۲۵ خرداد ۱۳۹۸

خواست مردم ایران سرنگونی تمامیت رژیم

رژیم پوسیده ولایت فقیه در محاصره یک جامعه به شدت معترض و به ستوه آمده است. کار به آنجا رسیده که مانند اواخر رژیم شاه، نمایندگان مجلس ارتجاع، پشت سر هم در مجلس همین رژیم «زنگ خطر» را به صدا درمی‌آورند و نسبت به فاجعه‌یی که در تقدیر رژیمشان است، هشدار می‌دهند. بی‌تعارف به رئیس جمهور همین رژیم می‌گویند اگر راست می‌گویی فقط یک ماه در «خورد و خوراک» مثل مردم زندگی کن تا ببینیم می‌توانی دوام بیاوری؟!۸۰

آخوند روحانی و وزرایش هم می‌گویند که در چهل سال گذشته اوضاع رژیم هیچ‌گاه به این وخامت نبوده است. در رأس حکومت، عمامه سفید، تقصیرات را به گردن عمامه سیاه می‌اندازد و از او اختیارات بیشتر طلب می‌کند. پاسخ عمامه سیاه ولایت هم اینست که زمینه را برای دولت تک پایه حزب‌اللهی آماده کنید. اما برای مردم ایران عمامه سیاه و عمامه سفید فرقی ندارد و سرنگونی تمامیت رژیم را می‌خواهند و فریاد می‌کشند که دشمن ما همین‌جاست حال اگر کسی می‌تواند، رفتار فاشیسم دینی و ولایت فقیه را تغییر بدهد، به شرط این که حقوق بشر و حق حاکمیت مردم ایران قربانی نشود، ما به غایت استقبال می‌کنیم و می‌گوییم هر اندازه که می‌توانید رفتار این رژیم را تغییر بدهید.



به رسمیت شناختن حق مردم ایران برای مقاومت

قطب‌بندی بین رژیم و ضد رژیم، هر قدر به پایان این رژیم نزدیک می‌شویم، برجسته‌تر می‌شود. محافل طرفدار همین رژیم و کسانی که در ادامه همین رژیم منفعت دارند، به بهانه نگرانی از وقوع جنگ، امتیاز دادن به رژیم و استمالت از قاتلان حاکم بر ایران را تبلیغ می‌کنند.



به‌قول مسعود رجوی، دلوپسان نظام، همیشه بر سر بزنگاه‌ها ما را از خطر جنگ پرهیز می‌دهند «در حالی که تهدید آمریکا و جامعه بین‌المللی در رابطه با رژیم آخوندها نه‌جنگ است».

و «بنا بر ۴ دهه تجربه، تهدید، باز هم کوتاه‌آمدن و نکوبیدن سر مار به سنگ است. ایران بدون این، آزاد نمی‌شود- یعنی بدون سرنگونی این رژیم که تنها وظیفه مردم و مقاومت ایران است. بنابراین، حق مردم ایران برای مقاومت و سرنگونی باید به رسمیت شناخته شود».

راه‌کار رژیم برای حفظ خودش در بحران مرگبار سرنگونی، شیطان‌سازی از مجاهدین و مقاومت ایران به‌عنوان خطر اصلی است که به تروریسم راه می‌برد. با شیطان‌سازی باید میز را طوری چید تا نتیجه گرفت که همین رژیم بهتر است و مردم ایران سزاوار همین رژیم هستند. باید به همین رژیم تن بدهند و بسوزند و بسازند.

فراخوان به اتحادیه اروپا

توطئه‌های تروریستی در کشورهای اروپایی و بمب‌گذاری رژیم در آلبانی و فرانسه، هم‌چنین دستگیری مزدوران و اسدالله اسدی دیپلمات تروریست رژیم و اخراج چهار دیپلمات-تروریست دیگر در یکسال گذشته، اثبات افشاگری‌های مکرر مقاومت ایران بود که سفارت‌خانه‌های این رژیم در اروپا مراکز طراحی و اجرای توطئه‌های جنایتکارانه است.

ما خواستار محاکمه هر چه سریع‌تر دیپلمات تروریست دستگیر شده در بلژیک هستیم. این حق پناهندگان ایرانی است که از جزییات توطئه‌های تروریستی آخوندها در خارج کشور مطلع باشند و لازمه ممانعت از تکرار چنین حوادثی است.

اتحادیه اروپا را فرا می‌خوانیم که دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران را مورد

تحریم‌های همه‌جانبه قرار دهد و سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد. مزدوران بایستی محاکمه و مجازات و اخراج شوند.

سران این رژیم باید در دادگاه بین‌المللی پاسخگوی جنایت‌هایشان در حق مردم ایران و به‌ویژه قتل عام زندانیان سیاسی باشند.

” سران این رژیم باید در دادگاه بین‌المللی
پاسخگوی جنایت‌هایشان در حق مردم ایران
و به‌ویژه قتل عام زندانیان سیاسی باشند “

یاران شورشگر و اشرف‌نشان،
اوضاع حساس کنونی و تضعیف فزاینده حکومت آخوندی، مسئولیت
سنگینی متوجه یکایک ما می‌کند. بی‌تردید رژیم حاکم در برابر مقاومت و
قیام ملت ما و ارتش بزرگ آزادی دوام نمی‌آورد.
سلام بر آزادی
دروود بر همه شما
دروود بر مجاهد کبیر رضا رضایی در سالروز شهادتش در دیکتاتوری
دست‌نشانده سلطنتی در ۲۵ خرداد ۱۳۵۲

” بی‌تردید رژیم حاکم در برابر مقاومت و قیام ملت ما
و ارتش بزرگ آزادی دوام نمی‌آورد “





”اتحادیه اروپا را فرا می‌خوانیم
که دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران را
مورد تحریم‌های همه‌جانبه قرار دهد
و سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات را
در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد

“

حاکمیت جمهور مردم در برابر حاکمیت آخوندها

هموطنان عزیز،

ایرانیان آزاده،

اشرف نشان‌ها و یاران مقاومت،

شورشگران برای ایران و آزادی که امروز از ایالت‌های مختلف آمریکا، در واشینگتن جمع شده‌اید

ملت ایران سرود و خروش شما برای آزادی را می‌شنود.

اکنون شما صدای یک ملت ستمدیده، سرکوب‌شده و سرقت‌شده هستید. به شما، به منتخبان مردم آمریکا در اینجا، به شخصیت‌ها، دوستان و حامیان دیرین مقاومت مردم ایران برای دموکراسی و حقوق بشر که در کنار شما حضور دارند، درود می‌فرستم.

عید مقاومت مبارک،

۳۰ خرداد روز شهیدان و زندانیان سیاسی،

روز تأسیس ارتش آزادی،

و مقاومتی که ۴ دهه بی‌وقفه و بی‌دریغ در همه عرصه‌ها با رنج و رزم و فدا حرکت کرده است.

آخوندهای خونریز از ۴۰ سال پیش برای دور کردن خشم مردم از خودشان، آدرس دشمن را در آمریکا می‌دادند. ما فریب نخوردیم و به قول مسعود رجوی وقتی که گفتیم مرگ بر ارتجاع، پای آن ایستادیم و گفتیم و می‌گوییم: سرنگونی، سرنگونی، سرنگونی!

صورت مسأله واقعی در سیاست آمریکا و اروپا در برابر رژیم ایران چیست؟



پیام مریم رجوی

به تظاهرات ایرانیان در واشینگتن

۳۱ خرداد ۱۳۹۸



راستی چه کسی

جنگ افروزی می کند؟

حالا مردم ایران در کوچه و بازار فریاد می زنند که دشمن ما همینجاست اما آخوندها به دروغ می گویند که آمریکاست. بله، این رژیمی است که در قانون اساسی اش حاکمیت آخوندها را به جای حاکمیت جمهور مردم و رأی مردم رسمیت داده است.

آخوندهای قرون وسطایی به رزمندگان آزادی و ارتش آزادی می گویند: تسلیم شوید والا کافر و مرتد و محارب هستید، عوامل استکبار جهانی هستید، سکت و فرقه هستید و در داخل ایران جایگاه و پایگاه ندارید. مقاومت نکنید، والا تروریست هستید. والا با سیلی از مطالب جعلی روبرو می شوید.

بله، کارزار ننگین شیطان سازی از مقاومت در رسانه های مماشات برای این است که نتیجه گیری کنند که رژیم ولایت فقیه برای مردم ایران بهتر است. آلترناتیوی وجود ندارد! فکرش را نکنید! حرفش را هم ننزید! نتیجه این که: باید با فاشیسم دینی مماشات کرد و هیچ راه دیگری نیست. حالا اگر دولت آمریکا با فاشیسم دینی مماشات نکند، جنگ طلب است. اگر مانع رسیدن این رژیم به بمب اتمی شود، جنگ طلب است. یاوه گویی آخوندها و وزیر خارجه آنها درباره تیم B در آمریکا فقط فرافکنی و سرپوش برای تیم بمب سازی خود آنهاست.



از بمب اتمی تا بمب گذاری در آلبانی و فرانسه تا بمب گذاری و مین گذاری در بدنه کشتی ها در خلیج فارس و انفجارها و پهباد و موشک ها در عربستان و نشانه رفتن سفارت آمریکا در بغداد.

وقتی آخوندها قیمت نمی دهند جری تر می شوند و قدم به پیش می گذارند، شلیک کاتیوشا در موصل و بصره، و حمله موشکی به پهباد آمریکایی نمونه های بسیار گویایی است.

راستی چه کسی دارد جنگ افروزی می کند؟

چه کسی به اشرف و لیبرتی پیاپی موشک می زد؟

قبل از لیست گذاری سپاه و تحریم ها، و قبل از خارج شدن آمریکا از معامله اتمی، آخوندها بی محابا می گفتند، سوریه استان سی و پنجم آن هاست. بی محابا می گفتند عراق برای آن ها «مرکز و پایتخت» است و حتی «جغرافیای آن از ایران غیر قابل تجزیه است».

راستی صورت مسأله واقعی در سیاست آمریکا و اروپا

در برابر فاشیسم دینی حاکم بر ایران چیست؟

استمالت یا قاطعیت؟

سرکرده کنونی سپاه پاسداران صریحاً گفت «جغرافیای انقلاب ما تا شمال آفریقا پیش رفته» و خط و نشان می کشید که:

در سال ۱۳۶۲ در لبنان «شعله های انقلاب اسلامی زبانه کشید و در یک حرکت شجاعانه توسط یک جوان مسلمان ۲۶۰ تفنگدار آمریکایی در شرق دریای مدیترانه در بیروت زیر آوارها دفن شدند».

بله، مردم ایران در سیل و تنگدستی و انواع و اقسام فجایع، فریاد می زنند سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن. اما دخالت ها و جنایت های این رژیم در عراق، در سوریه، در یمن، در لبنان و در افغانستان تابحال برایش هیچ عواقب جدی در بر نداشته است.

استمالت یا قاطعیت؟

راستی صورت مسأله واقعی در سیاست آمریکا و اروپا در برابر فاشیسم دینی حاکم بر ایران چیست؟ استمالت یا قاطعیت؟

حالا هر قدر به پایان این رژیم نزدیک می شویم، قطب بندی بین رژیم و ضد رژیم برجسته تر می شود.

محافل طرفدار این رژیم، و کسانی که در ادامه همین رژیم منفعت دارند، به رغم این که ۴۰ سال است که این رژیم با مردم ایران و جهان در جنگ مستمر است، به بهانه نگرانی از وقوع جنگ، جامعه جهانی را از هرگونه قاطعیت برحذر می دارند و استمالت از قاتلان حاکم بر ایران را تبلیغ می کنند.

اما قربانیان اصلی مردم ایران هستند و تجربه ۴۰ سال گذشته نشان می دهد که رژیم ولایت فقیه فاقد هرگونه ظرفیت رفرم و تغییر رفتار است. آری افعی هرگز کیوتر نمی زاید.

خامنه ای می گوید تغییر رفتار رژیم مترادف تغییر رژیم است.

بنابراین، صورت مسأله واقعی برای ما و مردم ما و مقاومت ما چیست؟ تسلیم یا نبرد آزادیبخش؟

به بیانیه استقلال آمریکا نگاه کنید، صورت مسأله برای جرج واشینگتن، توماس جفرسون و بنجامین فرانکلین و یاران و همزمان آن ها هم، همین بوده است. پاسخ ما هم همان است: مقاومت و نبرد تا پیروزی.

مردم ایران خواهان آزادی و حقوق بشر هستند

دروغ بر زنان و مردان شجاعی که در این مسیر در کانون‌های شورشی و شورا‌های مردمی مقاومت، برای آزادی صف بسته‌اند و افتخار بر شما که این صف را در پایتخت آمریکا امتداد داده‌اید.

سه ماه پیش برای نخستین بار در هفتاد سال گذشته رئیس جمهور ایالات متحده در پیام خود به مردم ایران به مناسبت نوروز گواهی داد که:

«مردم ایران به دنبال پس گرفتن تاریخ پرافتخار کشورشان، فرهنگ

رسانشان، و جایگاه مشروع‌شان در جهان هستند. آن‌ها سزاوار حکومتی هستند که پاسخگو باشد و با آن‌ها با احترام و کرامت رفتار کند.»

و تأکید کرد «ما تعهد می‌دهیم که هرگز در مقابل خواسته‌های مردم ایران برای آزادی سکوت نکنیم و هیچ‌گاه مبارزه مداوم آن‌ها برای حقوق بشر را فراموش نخواهیم کرد.»

بله، ما چیزی بیش از این نمی‌خواهیم: آزادی و حقوق بشر که البته برای ما راهگشای توسعه و عدالت هم هست.

این، صلح و امنیت در ایران و منطقه را به دنبال دارد.

یک ایران بدون فاشیسم دینی، غیر اتمی و بدون تروریسم و جنگ افروزی.

” صورت مسأله واقعی برای ما و مردم ما و مقاومت ما
چيست؟ تسليم يا نبرد آزاديبخش؟ “



آزادی بر شیخ و شاه

پیروز می شود

این، هم‌چنان که مسعود رجوی گفت: صلح و امنیت و دموکراسی و حقوق بشر و ثبات و سازندگی و دوستی و یک ایران غیر اتمی و خواهان همکاری و توسعه اقتصادی را در این منطقه از جهان پیشنهاد می‌کند و به قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی احترام می‌گذارد....

به‌همین خاطر است که آخوندها بیش از هر چیز از تغییر به‌دست مردم و مقاومت ایران و مجاهدین خلق می‌ترسند.

درست در همین نقطه، روشن می‌شود که دیکتاتوری دینی در رویارویی با مقاومت گرج کاغذی است و سرنوشتی جز همان سرنوشت دیکتاتوری شاه ندارد. این حکم تاریخ و خواست مردم ایران است.

آری، آزادی بر شاه و شیخ پیروز می‌شود.



هموطنان،
یاران شورشگر و شوریده بر دیکتاتوری و فاشیسم دینی،
این رژیم هر روز ضعیفتر از روز قبل و به سرنگونی یک روز نزدیکتر
می‌شود.
متقابلاً مسئولیت همه ما سنگین‌تر می‌شود.
ما در دوران آماده باش بسر می‌بریم.
بی‌تردید دیکتاتوری لرزان آخوندی در برابر مقاومت و قیام ملت ما و ارتش
بزرگ آزادی دوام نمی‌آورد.

” درود بر زنان و مردان شجاعی که در این مسیر
در کانون‌های شورشی و شوراهاى مردمی مقاومت،
برای آزادی صف بسته‌اند و افتخار بر شما
که این صف را در پایتخت آمریکا امتداد داده‌اید “



کشورها را برای مشارکت در جبهه بین‌المللی علیه فاشیسم دینی فرامی‌خوانیم

هموطنان،

درود بر شما که آمده‌اید تا به‌قول مسعود رجوی «در همه جا صدای رسای مردم ایران و ارتش آزادی‌ستان باشید».

حضور شما در این جا، در سومین تظاهرات بعد از اجتماعات بزرگ یاران و تظاهرات هم‌میهنان‌مان در بروکسل و واشینگتن حرف روشنی دارد. امروز شما، رو به‌میهن، رو به‌قیام‌کنندگان، رو به‌کارگران و معلمان و سایر مردم به‌جان آمده می‌گویید بتازید و بتازید که آخوندها در تله و تنگنای سرنگونی به‌دام افتاده‌اند.

در این تظاهرات بزرگ حرف شما و مردم ایران رو به جامعه جهانی و مشخصاً اروپا این است: سیاست امتیاز دادن به‌استبداد مذهبی باید متوقف شود. سیاست حفاظت از آخوندها در برابر سرنگونی و سیاست غذا دادن به مارهای عمامه‌دار دردی از این رژیم دوا نمی‌کند.

سیاست امتیاز دادن به‌استبداد مذهبی باید متوقف شود



پیام مریم رجوی
به تظاهرات ایران آزاد در برلین

۱۵ تیر ۱۳۹۸

آیا ۴۰ سال سراب استحاله و رفرم

در رژیم آخوندی کافی نیست؟

۳۰ سال دیالوگ سازنده و دیالوگ انتقادی و دیالوگ در مورد انواع و اقسام مشوق‌ها به کجا رسید؟ آیا ندیدید که قیام‌ها و جنبش اعتراضی بعد از آن چطور رژیم را به دوران پایانی‌اش رسانده است؟

آیا عملیات جاسوسی و تروریستی آخوندها در اروپا و در خاک آلمان ناقوس تغییر سیاست را به صدا در نیاورد؟

آیا جنگ‌افروزی و موشک‌پرانی‌ها و حملات اخیر این رژیم به نفتکش‌ها و ساقط کردن هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی برای تجدید نظر در این سیاست کافی نیست؟

آیا نقطه امید اروپا به‌میان‌روی در درون رژیم یعنی آخوند روحانی که حالا دست‌بوس پاسداران به‌خاطر حملات موشکی شده است، مهم‌ترین بهانه و دستاویز کنار آمدن با فاشیسم دینی را از بین نبرده است؟

آیا ۴۰ سال سراب استحاله و افسانه مدراسیون و رفرم در رژیم آخوندی کافی نیست؟

همه به یاد داریم که یک دهه پیش، وقتی که رئیس‌جمهور قبلی همین رژیم برای انکار هولوکاست نعره می‌کشید، صدراعظم آلمان با اشاره به‌اظهاریات او

گفت: «در سال ۱۹۳۳ نیز شعارهای نازی‌ها به‌عنوان حرف‌های بی‌اهمیت جلوه داده شد اما آلمان از تاریخ خود آموخته و مؤظف است که با آنچه در شرف آغاز است، مقابله کند».

اجازه بدهید بپرسم که آیا تاریخ آلمان و تاریخ سایر ملت‌های اروپا این آموزش را به جهان نداد که مماشات با فاشیسم چه‌بهای سنگین و خونینی برای تمام بشریت دارد؟

درست یک سال پیش، آلمان یک به‌اصطلاح دیپلمات رژیم را دستگیر کرد. او شخصاً مواد منفجره در اختیار دو تروریست گذاشته بود تا علیه گردهم‌آیی مقاومت در پاریس به‌کار ببرند.

قبل و بعد از آن در این سه سال هم پلیس آلمان یک دوجین مزدور و

آیا تاریخ آلمان و تاریخ سایر ملت‌های اروپا

این آموزش را به جهان نداد که مماشات با فاشیسم

چه‌بهای سنگین و خونینی برای تمام بشریت دارد؟

تروریست وابسته به نیروی تروریستی قدس و وزارت اطلاعات را دستگیر کرده است. تعدادی از آن‌ها توسط قضایه آلمان محاکمه و زندانی شدند. سوال این است که چرا چنین وقایع مهمی، در سیاست آلمان نسبت به رژیم تغییری نمی‌دهد؟

آخوندها هر روز با وقاحت از رو آوردن به‌غنی‌سازی اورانیوم یعنی تدارک بمب هسته‌یی صحبت می‌کنند. صالحی رئیس انرژی اتمی رژیم اعتراف کرد که در مورد سایت اراک، کشورهای اروپایی را فریب داده است.



راستی اگر آخوندها از اروپا آسوده خاطر نبودند، چگونه می‌توانستند این همه گستاخی کنند؟
از توسعه برنامه موشک‌های بالستیک آن‌هم با نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تا اعزام نیرو به سوریه با نقض قطعنامه ۲۲۵۴ و تشدید جنگ جنایتکارانه خود در آن کشور.
این فاشیسم دینی به راستی بزرگ‌ترین تهدید صلح در جهان امروز است.

۱۰۴

” آیا نقطه امید اروپا به‌میان‌روی
در درون رژیم یعنی آخوند روحانی
که حالا دست‌بوس پاسداران به‌خاطر حملات
موشکی شده، مهم‌ترین بهانه و دستاویز
کنار آمدن با فاشیسم دینی را
از بین نبرده است؟ “

باز گذاشتن راه گسترش تأسیسات اتمی رژیم که برخی ابزارها و تکنولوژی مورد نیاز آن از بازارهای شما تامین می‌شد، چطور؟
فروش ابزار سرکوب و شنود و جاسوسی به وزارت بدنام اطلاعات یا سپاه پاسداران، و هم چنین میدان دادن به شیطان سازی و انبوه مجعولات علیه مجاهدین در رسانه‌های مماشات چطور؟ همه این‌ها امداد رسانی به آخوندهاست.

چرا سفارت رژیم در آلمان تعطیل نمی‌شود؟

مگر هر سال و از جمله همین چند روز پیش، اداره حراست از قانون اساسی آلمان به این واقعیت اذعان نکرده که سفارت رژیم ایران در حال جاسوسی علیه مخالفان به ویژه مجاهدین و شورای ملی مقاومت است. پس چرا این سفارت خانه تعطیل نمی‌شود؟

مگر در ترورهای رستوران میکونوس در برلین، عدالت آلمان رأی نداد که ولی فقیه و رئیس جمهور و وزیر خارجه و وزیر اطلاعات این رژیم تصمیم گیرندگان و آمران این جنایت‌اند؟ پس چرا خامنه‌ای هنوز در لیست تروریستی و مورد تحریم آلمان و اروپا قرار نگرفته است؟

رژیم آخوندی ۴۰ سال است که علیه مردم ایران و منطقه اعلام جنگ کرده است. هر امتیازی به آن‌ها با هر توجیهی فقط یک نتیجه دارد: افزایش چشم انداز جنگ فاجعه آمیز توسط آخوندها.

هر یک یورو تجارت با آخوندها، یک یورو سوخت رسانی به دستگاه خامنه‌ای برای سرکوب مردم ایران و جنگ افروزی در منطقه است.
صحبت از صلح در منطقه، بدون تحریم خامنه‌ای و سپاه پاسداران شعار توخالی است.

با این حال بگذارید تأکید کنم: تغییر رژیم کار مردم و مقاومت ایران است. کار ارتش آزادی‌ستان است و لاغیر.

هم‌چنان که مسعود رجوی خطاب به جوانان قیام‌آفرین گفت: حرف آخر را مردم ایران با کانون‌های شورشی و ارتش آزادیبخش می‌زنند.

امداد رسانی به آخوندها توسط غرب

آنچه ما خواسته‌ایم این است که دولت‌های غرب به آخوندها برای باقی ماندن در مسند قدرت یاری نرسانند. آیا لیست‌گذاری و سرکوب مجاهدین و مقاومت ایران در همین کشورهای اروپایی، معامله شرم‌آور و بالاترین یاری به آخوندها نبود؟ و آیا این که در توافق اتمی نقض حقوق بشر به فراموشی سپرده شد چطور؟

هم‌چنین دولت آلمان به‌طور رسمی تأیید کرد که رژیم در حمله به نفتکش‌ها نقش داشته است. و هم‌چنین برنقش مخرب رژیم در منطقه تأکید کرده است. پس چرا هنوز آلمان و اتحادیه اروپا سپاه پاسداران را به‌عنوان یک موجودیت تروریستی اعلام نکرده‌اند؟

” آنچه ما خواسته‌ایم این است که دولت‌های غرب به‌آخوندها برای باقی ماندن در مسند قدرت یاری نرسانند “

تاکید می‌کنم که محاکمه و مجازات و اخراج مزدوران اطلاعات و سپاه پاسداران و بیانیه ۲۹ آوریل ۹۷ اتحادیه اروپا درباره ایران، باید به اجرا گذاشته شود.

در این بیانیه همزمان با حکم دادگاه میکونوس، تأکید شد که روابط اتحادیه اروپا با رژیم ایران، به احترام گذاشتن مقامات این رژیم به استانداردهای حقوق بین‌الملل و اجتناب از اقدامات تروریستی منوط و مشروط شده است. و این‌که ویزا به عوامل دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم داده نشود. و براخراج عناصر اطلاعاتی رژیم از کشورهای عضو اتحادیه اروپا تمرکز شود. اجرای مفاد بیانیه ۲۹ آوریل ۹۷ برای ایرانیان و امنیت آن‌ها، ضروری و مبرم است.

اجازه بدهید در مورد حقوق بشر هم، به‌طور خاص از خانم مرکل درخواست کنم که در سطح اروپا رهبری یک ابتکار ویژه علیه رژیم آخوندی به‌خاطر نقض حقوق بشر را به‌عهده بگیرد. از جمله توقف آزار و اعدام و کشتن زندانیان زیر شکنجه و تشکیل یک هیات بین‌المللی برای بازدید از زندان‌ها و زندانیان سیاسی.



خواسته ما از جامعه جهانی

از جانب مقاومت مردم ایران تأکید می‌کنم که:

- جامعه جهانی و مشخصاً اتحادیه اروپا باید حق مردم ایران برای مقاومت به منظور سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار دموکراسی و حاکمیت جمهور مردم را به رسمیت بشناسد.
- پرونده نقض حقوق بشر و قتل عام زندانیان سیاسی باید به شورای امنیت ارجاع شود.
- شورای امنیت ملل متحد باید رژیم آخوندی را تهدید صلح و امنیت جهان اعلام کند.
- ما هم‌چنین به مشارکت کشورها در جبهه بین‌المللی علیه فاشیسم دینی فرامی‌خوانیم.





و سرانجام گرم‌ترین تقدیرها و سپاس‌ها را به شخصیت‌ها و پارلمانترهای آلمانی به‌ویژه در کمیته آلمانی همبستگی برای یک ایران آزاد تقدیم می‌کنم. حمایت و یاری این زنان و مردان شریف برگ زرینی در تاریخ روابط مردم آلمان و مردم ایران است.

یاد خانم اینگرید هولتز هوتر عزیزمان به‌خیر که تا آخرین روز حیات برای حمایت از مجاهدین و اشرفی‌ها جنگید. و یاد گائوک آلمانی به‌خیر که تا آخرین لحظه به‌میرزا کوچک خان وفادار ماند، در کنار او به شهادت رسید، و مظهر تاریخی دوستی دو ملت شد.

آری با خلقی که سرنگونی را اراده کرده است و با شور و آزادیخواهی شما و با عزم کانون‌های شورشی و رزم ارتش آزادی، ایران آزاد می‌شود، ایران آزاد می‌شود.



” مگر در ترورهای رستوران میکونوس

در برلین، عدالت آلمان رای نداده که ولی فقیه و رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و وزیر اطلاعات این رژیم تصمیم‌گیرندگان و آمران این جنایت‌اند؟ پس چرا خامنه‌ای هنوز در لیست تروریستی و مورد تحریم آلمان و اروپا قرار نگرفته است؟

“

روزگار مماشات با فاشیسم مذهبی در ایران به پایان رسیده است

سلام بر مصدق، درود بر شهیدان قیام ۳۰ تیر و امتداد تاریخی آن‌ها تا همین امروز

فردا ۳۰ تیر است.

شصت و هفتمین سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر با شعارهای یا مرگ یا مصدق،
نماد حاکمیت مردم ایران در برابر استبداد سلطنتی و آخوندهای ارتجاعی.
و سی و هشتمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران و اعلام آن
توسط مسعود رجوی در تهران در ۳۰ تیر ۱۳۶۰.

راستی که مسعود رجوی از شکنجه‌گاه‌های شاه تا بی‌دادگاه‌هایش و تا همین
امروز نام و یاد و راه مصدق را در تاریخ معاصر ایران زنده نگهداشت و ارتقا داد.
آن‌هم در زمانی که خمینی به‌خاطر سیلی خوردن مصدق از ارتجاع و استعمار
شکرگزاری می‌کرد و صریحاً می‌گفت: برایش قابل تحمل نیست که «برای هر
استخوانی» میتینگ راه بیندازند و «اگر یک نفر نفت را ملی کرده، اسلام را کنار
بگذارند و برای او سینه بزنند».

راستی حرف مصدق چه بود؟

- درباره استبداد و کودتای رضاخانی می‌گفت: «آیا می‌شود گفت که به
کمک یک دسته قزاقی که تحت‌امر خارجی است انقلاب کنند و ملت را به راه
راست هدایت کنند؟

آیا به وسیله یک بیانیه پوک می‌توان انقلابی شد یا این که دعوی اصلاحات
کرد؟ کدام آدم با بصیرتی است که با این حرف‌ها گول بخورد».

پیام مریم رجوی

به تظاهرات ایرانیان در سوئد

۲۹ تیر ۱۳۹۸



-و می‌گفت: «علمداران آزادی را به دست میرغضبان ارتجاع نسپارید». سلام بر مصدق، و درود بر شهیدان قیام ۳۰ تیر و امتداد تاریخی آن‌ها تا همین امروز. و این راهی است که در مقاومت برای آزادی تا پیروزی و تا رسیدن به ایران آزاد ادامه دارد و هر روز چشم انداز آن روشن‌تر می‌شود.

سراب استحاله و توهم اصلاحات دیگر هیچ کس را نمی‌فرید

هموطنان، شما با نشان دادن عزم و اراده چشم‌گیر خود، با نشان دادن گستردگی و پویایی جنبشی که از کانون‌های شورشی در شهرهای سراسر ایران تا گردهمایی و تظاهرات بزرگ در کشورهای مختلف جهان امتداد دارد، عزم و اراده ملت ایران برای سرنگونی دیکتاتوری آخوندی را نشان می‌دهید. روزگار مماشات با فاشیسم مذهبی در ایران به پایان رسیده است. دیگر نمی‌توان با هیچ بهانه‌ی دشمن مردم ایران را نادیده گرفت. دیگر نمی‌توان ادعا کرد که این رژیم آلترناتیوی ندارد و تبلیغ کرد که همین رژیم برای مردم ایران بهتر است. دیگر نمی‌توان ۸ سال به مدراسیون رفسنجانی و ۸ سال به اصلاحات خاتمی و ۸ سال دیگر هم به میانه‌روی آخوند امنیتی چشم دوخت که مکرراً دست‌بوس ولی فقیه و سپاه پاسداران آن است. سپس دیر هنگام بیدار می‌شوید و می‌بینید که حکومت آخوندی به قول



برای دستیابی به دموکراسی و آزادی باید همواره جنگید

برچسب زدن به مجاهدین و مقاومت ایران هم دیگر اثر ندارد. رود خروشان خون شهیدان و ایستادگی و قیام مردم ایران، رژیم ولایت فقیه را به انتهای خط رسانده است. و موجب رسوایی و شکست سیاست مماشات با حاکمیت پلید آخوندی شده است. وجدان‌های بیدار در سراسر اروپا و اسکاندیناوی همیشه در مقابله با فاشیسم دینی تجربه تلخ مماشات با فاشیسم یعنی همان اشغالگران نازی را یادآوری کرده‌اند. در همین جا به گوناگون سونستی قهرمان مقاومت نروژ درود می‌فرستم.

خودتان یکسال بیشتر با بمب اتمی فاصله ندارد، در عراق و سوریه و لبنان و یمن هم جا خوش کرده و برنامه موشکی خود را هم غیرقابل مذاکره می‌داند. راستی آیا جایی برای امیدبستن به کمترین پاسخ در مورد حقوق بشر، آزادی بیان، عدالت، برابری زن و مرد، خودمختاری و حقوق اقلیت‌ها و ملیت‌ها، در رژیم آخوندها مانده است؟ سراب استحاله و توهم اصلاحات و میانه‌روی در این رژیم و گفتگوی سازنده و انتقادی با آن، دیگر هیچ‌کس را نمی‌فریبد. مقاومت ایران با سنگین‌ترین بهای میان‌تهی بودن این چیزها را برملا و ثابت کرده است.





او از حامیان مجاهدان اشرفی بود و پایداری و اراده زنان و مردان اشرف را نمونه زنده یک حماسه مقاومت توصیف می کرد.

او می گفت: «برای دستیابی به دموکراسی و آزادی باید همواره جنگید، همواره جنگید و همواره جنگید.

او می گفت: من می دانم وقتی کسی برای آزادی می جنگد به او مارک تروریستی می زنند همانطور که فاشیست های آلمانی به من و دوستانم تروریست می گفتند و خواستار دستگیری و اعدام ما بودند».

ما رهنمود درخشان گونار را پیوسته به خاطر خواهیم داشت که «باید همواره جنگید و جنگید».

نباید بگذاریم فضیلت مقاومت برای آزادی که قهرمانانی مانند او خلق کرده اند با منافع تجاری پامال شود.

۱۲۰

دیگر نمی توان ادعا کرد که این رژیم آلترناتیوی ندارد و تبلیغ کرد که همین رژیم برای مردم ایران بهتر است.

دیگر نمی توان ۸ سال به مدراسیون رفسنجانی و ۸ سال به اصلاحات خاتمی و ۸ سال دیگر هم به میانه روی آخوند امنیتی چشم دوخت که مکرراً دستبوس ولی فقیه و سپاه پاسداران آن است

اروپا باید با خواست‌های مردم ایران

همسو شود

مردم ایران انتظار دارند اروپایی که در سده گذشته رنج و درد عظیم ناشی از سلطه فاشیسم هیتلری را احساس کرده، رنج‌های امروز مردم ایران را درک کند. اروپا باید با خواست‌های مردم ایران همسو شود. اکنون که فنلاند ریاست دوره‌ی اتحادیه اروپا را برعهده دارد، باید تحریم‌ها را متوجه اهرم‌های اصلی آزادی‌کشی و سرکوب و تروریسم یعنی بیت‌العنکبوت خامنه‌ای و سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات آخوندها کند. مزدوران این رژیم باید محاکمه و مجازات و اخراج شوند. مشخصاً از دولت‌های سوئد، نروژ، دانمارک و فنلاند می‌خواهم که رژیم ایران را برای باز کردن در زندان‌ها و پذیرش یک هیأت تحقیق بین‌المللی تحت فشار بگذارند.

کشورهای نوردیک و تمام اروپا و جهان باید حق مردم ایران را برای مقاومت به‌منظور سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار دموکراسی و حاکمیت جمهور مردم به‌رسمیت بشناسند.

آری آزادی پیروز می‌شود،
ایران آزاد می‌شود،
ایران آزاد با شما در راه است.

”

مشخصاً از دولت‌های سوئد، نروژ، دانمارک و فنلاند می‌خواهم

که رژیم ایران را برای باز کردن در زندان‌ها

و پذیرش یک هیأت تحقیق بین‌المللی تحت فشار بگذارند

“

”

مردم ایران انتظار دارند اروپایی که در سده گذشته

رنج و درد عظیم ناشی از سلطه فاشیسم هیتلری را

احساس کرده، رنج‌های امروز مردم ایران را درک کند.

اروپا باید با خواست‌های مردم ایران همسو شود

“



آخوندها باید بروند! سرنگونی و سرنگونی...

هموطنان،

تظاهرات امروز شما در لندن، نقطه اوج سلسله تظاهرات ایران آزاد است که در یک ماه و نیم گذشته از بروکسل تا واشینگتن و برلین و استکهلم جریان داشت.

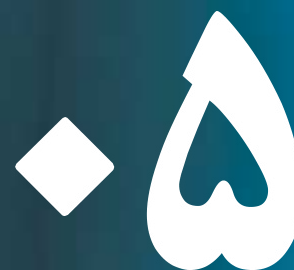
همچنین، تداوم گردهمایی سالانه مقاومت ایران است که دو هفته پیش به مدت ۵ روز در اشرف ۳ برگزار شد.

رژیم دوباره زنجیر پاره کرد و این بار جعل اخبار دروغ و گمراه کننده را آن هم در نقش یک سرکنسول فرانسه به آنجا رساند که وزارت خارجه این کشور بیانیه رسمی تکذیب، صادر کرد و تویتر این حساب رژیمی را بست. رژیم بارها و به صد زبان گفته است که حتی خامنه‌ای خط قرمز نیست و تحمل می‌کند. اما کماکان مثل زمان قتل عام زندانیان در سال ۶۷، سرخ‌ترین و ممنوع‌ترین نام، نام مجاهدین است.

هویت و راه و رسمی که رژیم را، حتی در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های ولایت فقیه، وحشت زده می‌کند. خمینی فتوا به قتل عام همه آنانی داد که «بر سر موضع» و هویت مجاهدی ایستاده‌اند. آنان در پای چوبه‌های دار هم، نام مسعود رجوی را فریاد زدند.

منتظری گفت با کشتن از بین نمی‌روند، بلکه ترویج می‌شوند. بله، امروز ما شاهد این ترویج و گسترش هستیم، گسترش کانون‌های شورشی و هزار اشرف.

بریتانیا و اروپا را فرا می‌خوانیم برای تغییر این رژیم در کنار مردم ایران قرار بگیرند



پیام مریم رجوی
به تظاهرات ایرانیان در انگلستان

۵ مرداد ۱۳۹۸



حرف مردم ایران و یاران شورشگر اشرف‌نشان در همه جا یکی است: آزادی و ایران آزاد. آخوندها باید بروند. سرنگونی و سرنگونی... و از تکرار و تأکید بر آن خسته نمی‌شویم. بلکه بیشتر می‌خواهیم و بیشتر فریاد می‌زنیم تا روزی که به‌دست آید. و البته که با شما حتماً به‌دست خواهد آمد.

چرا؟ و به چه دلیل؟ به‌قول مسعود رجوی به‌خاطر وفای به پیمان با فدای بیکران در تاریخ ایران.

این را با یک نگاه به فهرست شهیدان، مخصوصاً فهرست سر به‌داران قتل عام زندانیان، می‌توان دریافت.

مردم و مقاومت ما و مجاهدین اشرفی، ثابت کردند که برای دادن قیمت آزادی آماده و حاضر هستند.

به‌مناسبت‌هایی که همین امروز در سالگرد آن‌ها هستیم نگاه کنید و به قیمتی که پرداخت شده است.

از کارزار فروغ ایران در ۶ و ۷ مرداد ۸۸ در اشرف با ۱۳ شهید و بیش از ۵۰۰ مجروح آن‌هم در بحبوحه قیام‌ها در ایران تا حماسه بزرگ میهنی و عقیدتی فروغ جاویدان در ۱۳۶۷.

نسبت به شهیدان و قهرمانان و رزم‌آوران ارتش آزادیبخش ملی ادای احترام می‌کنیم و به آن‌ها درود می‌فرستیم.

صلح و آزادی در نبرد با رژیم ولایت فقیه به دست می‌آید

زمانی که ایران در آتش جنگ ضدمیهنی خمینی می‌سوخت، ارتش صلح و آزادی برخاست و جام زهر آتش‌بس را به حلقوم خمینی ریخت. قیمت آن، حدود ۲ هزار شهید در نبردهای ارتش آزادیبخش، از فرزندان رشید مردم ایران بود. این از افتخارات مقاومت ماست.

هم‌چنین افشای بی‌امان برنامه بمب‌سازی اتمی و مقابله با جنگ‌افروزی آخوندها در منطقه.

مقاومت ما اثبات کرده است که صلح و آزادی در نبرد با رژیم ولایت فقیه به دست می‌آید. این درست رودرروی مماشات‌گرانی است که دفاع از رژیم را با نقاب صلح انجام می‌دهند.

”مقاومت ما اثبات کرده است که صلح و آزادی

در نبرد با رژیم ولایت فقیه به دست می‌آید.

این درست رودرروی مماشات‌گرانی است که دفاع از رژیم را

با نقاب صلح انجام می‌دهند.“

اخیراً آخوندها از انتشار کتاب جک استرا که از بنیان سیاست مماشات است استقبال کردند. او قاطعیت علیه فاشیسم دینی را مقدمه یک جنگ تمام عیار جلوه داده است. می‌توان حدس زد که اگر در زمان هیتلر می‌بود به قول چرچیل





تا کجا در غذا دادن به تمساح شرکت می‌کرد! تصادفی نیست که او از طراحان لیست‌گذاری مجاهدین و مبارزان و کشتار آن‌ها در سال ۱۳۸۲ بود؛ همان کسی است که به گفته آخوند خاتمی و خرازی، درخواست رژیم مبنی بر استرداد و حلق‌آویز کردن دست‌کم ۲۰ تن از رهبران مجاهدین را «قابل قبول» خواند و به نوشته دلی تلگراف برای خوش‌آمد آخوندها، لیست اسامی ۱۲ امام شیعیان را هم در سفرش به تهران در جیب گذاشت و وقتی اسم پیغمبر اسلام می‌آمد، صلوات هم می‌فرستاد!

صلح‌خواهی کاذب این آقایان عیناً مساوی است با حفظ رژیم بر ضد مردم ایران و بر ضد حقوق بشر و نه چیز دیگر. اما صلح‌خواهی حقیقی که با آزادی و حقوق بشر محقق می‌شود، لازمه‌اش سرنگونی عفریت جنگ و سرکوب، یعنی رژیم ولایت فقیه است.

سیاست میدان دادن به آخوندها

فاجعه است

راستی آیا چنگ‌انداختن امروز آخوندها و پاسدارانشان بر روی کشتی‌ها در خلیج فارس و بر روی امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی با سیاست مماشات و با سرکوب مجاهدین و چشم‌بستن بر نقض حقوق بشر در معامله اتمی، ربطی دارد؟ آیا امتیاز دادن به آخوندها از حساب مردم و مقاومت ایران آن‌ها را هارتر نکرده است؟ راستی ممنوعه‌کردن مجاهدین در آن سالیان و خلع سلاح ارتش آزادیبخش و مبارزان پایگاه‌های آن با کمک انگلستان، تعادل قوا در روی زمین را به سود چه کسی در هم ریخت؟ آیا در خدمت صلح و امنیت بود یا علیه



آن؟ آیا رژیم از گروگان گرفتن شهروندان و اتباع کشورهای اروپایی و آمریکایی دست برداشته است؟

بالا بردن میزان و سطح غنی‌سازی اورانیوم و افزایش برد موشک‌های بالستیک در این رژیم راستی برای چیست؟

شیطان‌سازی از مجاهدین و مقاومت ایران در خدمت به کدام رژیم و برای چه هدفی است؟

راستی ماجرای آن آخوندهای مدره و اصلاح شده و معتدل که ۴ دهه مبلغ و مشوق آن‌ها بودند چه شد؟ آن همه پروپاگاندا و سرمایه‌گذاری روی دغل‌کارانی مثل آخوند خاتمی چه شد؟ آیا مردم ایران با قیامشان برتئاتر سیاسی اصولگرا و اصلاح‌طلب نقطه پایان نگذاشتند؟

چرا هنوز عده‌یی در انگلستان آبونه و رله‌کننده‌ی تبلیغات و اخبار جعلی فاشیسم دینی در ایران هستند؟

آیا شرم‌آور نیست که آخوند خاتمی اکنون با وقاحت بی‌مانند در گاردین مدعیست که تمام عمرش، صرف گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و صلح و دموکراسی و حقوق بشر شده است! همان آخوند شیادی که حتی یک کلمه در مطبوعات درباره قتل‌عام زندانیان سیاسی را قدغن کرده بود. همان کسی که به سپاه پاسداران گفت هر کار می‌خواهد با دانشجویان در قیام ۷۸ انجام بدهد فقط کافیست پاسداران لباس شخصی بپوشند.

آیا این مدعی تمدن و فرهنگ و صلح همان طرفدار دوآتشه صدور ارتجاع و بنیادگرایی و رئیس تبلیغات جنگ ۸ ساله خمینی نبود که در آن به گفته وزیر آموزش و پرورش رژیم ۴۵۰ هزار کودک دانش‌آموز را در جبهه‌های جنگ بر روی میدان‌های مین فرستادند؟ ننگ بر آخوندهای ضدبشر و مبلغین آن‌ها. با مردم ایران در جنگ و دشمنی هستند اما وقیحانه خواهان ائتلاف صلح با این رژیم، البته برای حفظ همین رژیم هستند.

شش ماه پیش آقای تونی بلر در واشینگتن پست نوشت: امید بستن به این‌که توافق اتمی به مدره‌شدن رفتار رژیم در تهران بیانجامد، درست نیست. ... آن‌ها سیاست‌های بدخیم خود در سراسر منطقه را تشدید کرده‌اند. در سوریه،

در لبنان، در عراق، در یمن، در خلیج فارس و در سرزمین‌های فلسطینی... او نتیجه‌گیری کرد که «۴۰ سال ناامیدی باید یک دید روشن بما بدهد». چرا که این رژیم به بزرگ‌ترین نیروی بی‌ثبات‌کننده در خاورمیانه تبدیل شده است.

بله، سیاست میدان دادن به آخوندها سراسر ناامیدی و فاجعه بوده و هست و باز هم خواهد بود. این سیاست نه فقط برضد مردم ایران بلکه بر ضد صلح و امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی است.

آخوندها

زبانی جز زبان قاطعیت نمی‌فهمند

مقاومت ایران با پرداخت بهای سنگین همیشه تأکید کرده است که آخوندها زبانی جز زبان قدرت و قاطعیت نمی‌فهمند. ما بریتانیا و اروپا و همه کشورها را فرامی‌خوانیم که باج دادن به آخوندها را متوقف کنید. به آن‌ها هیچ کمکی برای کاهش تحریم‌ها نکنید. در مقابلشان بایستید. سپاه پاسداران و گشتاپوی آخوندی و دستگاه خامنه‌ای و آخوند

سیاست میدان دادن به آخوندها

سراسر ناامیدی و فاجعه بوده و هست و باز هم خواهد بود.

این سیاست نه فقط برضد مردم ایران بلکه بر ضد صلح

و امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی است

نشده باقیست. ولی روزی خواهد آمد که ما شاهد استیفای حق باشیم.
هموطنان

رژیم حاکم در محاصره مردم به‌جان آمده‌یی است که یقین کرده‌اند
رهایی آن‌ها جز با ساقط کردن آخوندها میسر نیست، این رژیم دیگر
ذخیره و بنیه‌یی برای بقا ندارد و در گرداب سرنگونی دست و پا می‌زند.
روزگار فاشیسم دینی رو به پایان است، ایران آزاد می‌شود. زیباترین
وطن را با کانون‌های شورشی و ارتش آزادی پس می‌گیریم.
درو بر همه شما

روزگار فاشیسم دینی رو به پایان است، ایران آزاد
می‌شود. زیباترین وطن را با کانون‌های شورشی
و ارتش آزادی پس می‌گیریم

روحانی را در لیست تروریستی بگذارید.
شما را فرا می‌خوانیم که سیاست نادیده‌گرفتن نیروی اصلی جامعه
و تاریخ ایران را کنار بگذارید. به‌جای همراهی و دست تکان‌دادن برای
فاشیسم دینی، برای تغییر این رژیم در کنار مردم ایران قرار بگیرید.
بعد هم‌چنان‌که تونی بلر نوشت «غرق شگفتی می‌شوید که چگونه
چالش افراطی‌گرایی در خاورمیانه و فراتر از آن، فروکش خواهد کرد».
من مشخصاً از دولت جدید انگلستان خواهان حمایت از حقوق بشر آن‌هم
حقوق بشر سرکوب شده مردم ایران و اقدام برای اعزام یک هیأت تحقیق بین‌المللی
برای بازدید از زندان‌های رژیم و دیدار با زندانیان سیاسی به‌ویژه زنان هستم.
خانم بوتروید، سخنگوی پیشین مجلس عوام یکبار گفت: قتل عام زندانیان
سیاسی که خمینی بعد از این‌که مجبور به پذیرش آتش‌بس شد، انجام داد
بعد از جنگ جهانی دوم بزرگ‌ترین جنایت علیه بشریت بود که کیفر داده

